



فرهنگ مهدوی، انتظار فرج، کج‌روی و سرمایه اجتماعی

محمدباقر آخوندی*

چکیده

بنابر پژوهش‌ها و آمارهای متعدد، کج‌روی‌ها و انحرافات اجتماعی رو به فزونی و تزايد دارد. تبدیل این کج‌روی‌ها به مسائل اجتماعی، کمترین نتیجه حاصل از این شرایط است. امروزه اعتیاد به مواد مخدر و ده‌ها جرم ناشی از آن، به کلافی سر در گم بدل گردیده که خانواده‌های بسیاری را تحت تأثیر قرار داده، هزینه‌های کنترل اجتماعی را افزایش داده و جریان جامعه‌پذیری را با مشکل مواجه کرده است. آیا نمی‌توان راه حلی میان‌بر، کم‌هزینه، کم‌خطر و مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلام پیش نهاد تا این همه لغامت را یک‌جا تطهیر نماید و انسان‌های لایبالی و منحرف را به افرادی غیرتمند و اهل خیر و صلاح تبدیل کند. این مقاله، مستند به ده‌ها دلیل، پس از دسته‌بندی علل کج‌روی‌های اجتماعی، با استناد به آیات شریفه قرآن، فرهنگ مهدوی را راه‌برد دین برای تعالی و رشد از ابتدا تا انتهای خلقت معرفی می‌نماید؛ زیرا ساختار شخصیت افراد در فرهنگ مهدوی به صورت اساسی اصلاح می‌گردد و امیدواری به عنوان عنصر اصلی آن شکل می‌گیرد. نظارت و کنترل اجتماعی در فرهنگ مهدوی علاوه بر گسترش در جنبه‌های غیر رسمی آن، هیچ هزینه‌ای دربر ندارد؛ چراکه ساز و کارهای آن از طریق افزایش سرمایه اجتماعی و افزایش وابستگی به جامعه تعریف می‌شود.

واژگان کلیدی

فرهنگ مهدوی، انتظار فرج، کج‌روی، نظارت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، وابستگی جامعه، امیدواری.

مقدمه

هر کس که از منزل روانه بیرون می‌شود، با انحراف‌ها و ناهنجاری‌های متعددی روبه‌روست که روح و روان او را می‌آزارد.^۱ از مهم‌ترین این ناهنجاری‌ها که نمود عینی یافته و آثار سوء آن بنیان‌های جامعه دینی را نشانه گرفته و أم‌المفاسد به شمار می‌رود، اعتیاد است.^۲ بر اساس گزارش جهانی سازمان ملل، به نقل از مسئولان وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران، بیش از ۳/۷ میلیون نفر از مردم ایران مواد مخدر مصرف می‌کنند که از این میزان ۲/۵ میلیون نفر آنها معتاد به شمار می‌روند و ۱۳۷۰۰۰ نفر هم هر از گاه مواد تزریق می‌کنند.^۳ بر اساس همین گزارش، در سال ۲۰۰۴ میلادی، ایران با مصرف ۲/۸٪ کل مواد مخدر دنیا، بیشترین مصرف دنیا را داشته است.^۴ از سوی دیگر بیش از ۶۰٪ صادرات مواد مخدر، در مسیر رسیدن به دست مشتریان آن در سایر کشورها، وارد ایران می‌شود و ایران ناگزیر است مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار (معادل ۱/۳٪ بودجه کشور) و حدود دو برابر امریکا برای کنترل روند دادوستد مواد مخدر هزینه نماید.^۵ همین گزارش گویای آن است که در سال ۲۰۰۳ ایران با کشف و ضبط ۹۷۵۷۵ کیلوگرم مواد مخدر، ۴۴٪ میزان کشف و ضبط آن را در دنیا داشته و این در حالی است که میزان تولید مواد مخدر افغانستان در سال ۲۰۰۴، ۲۰۰ تن بوده و طبق بررسی‌ها، تولید مواد در سال ۲۰۰۶ نسبت به سال قبل آن افزایش داشته است.^۶

بررسی‌ها بیان‌گر آن است که در ایران سن اعتیاد به شدت کاهش

یافته است. اعتیاد، حتی در مدارس راهنمایی نیز به چشم می‌خورد و به طور کلی ۲۰٪ دانشجویان و ۱۳٪ دانش‌آموزان کشور در معرض اعتیاد قرار گرفته‌اند.^۷ نگران‌کننده‌تر از این موضوع آن است که طبق اظهارنظر روان‌پزشک دفتر اعتیاد سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی، الگوی مصرف مواد مخدر از مصرف سنتی (شیره و تریاک) به مصرف کریستال تغییر کرده است.^۸

بنابر نتایج بررسی‌ها، با وجود آگاهی مردم از زیان‌های مصرف مواد مخدر، تشدید مجازات‌ها و تبلیغات وسیع، هم‌چنان انگیزه مصرف مواد افیونی، به‌ویژه در جوانان، رو به افزایش است.^۹ چنان‌که پیداست، اعتیاد را می‌توان «أم الجرایم» به شمار آورد که بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی دیگر را مستقیم و غیرمستقیم با خود به همراه می‌آورد. سرقت، قتل، خودکشی، چک بی‌محل، لاپالایی‌گری، و ده‌ها جرم دیگر که آثار سوء کوتاه‌مدت و بلندمدت آنها بر کسی پوشیده نیست، ناشی از اعتیاد است و متأسفانه در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است؛^{۱۰} به‌گونه‌ای که ۶۰٪ مجرمان، به دلیل جرایم مرتبط با مواد مخدر زندانی می‌شوند^{۱۱} و برخی بیماری‌های خانمان‌سوز و مرگ‌بار امروزی، همانند ایدز نیز (به‌ویژه در ایران) ناشی از همین پدیده شوم است.^{۱۲} چنان‌چه بر این همه لثامت و شومی، آثار دیگری از جمله سستی و تحلیل رفتن توان و انرژی را بیفزاییم و متذکر گردیم که حداقل چهار برابر افراد معتاد را خانواده‌ها و نزدیکان آنها تشکیل

می‌دهند که مستقیماً متأثر از آنانند، بر حساسیت موضوع افزوده خواهد شد. این در حالی است که علی‌رغم تلاش‌های فراوان و ۳۲۰۰ شهیدی که در مبارزه با مواد مخدر تقدیم شده،^{۱۲} طبق نظر رییس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی تاکنون فقط توانسته‌ایم از کاهش قیمت مواد مخدر جلوگیری نماییم^{۱۴} و تمرکز ستاد مبارزه با مواد مخدر بیشتر بر کشفیات بوده نه چیز دیگر.^{۱۵} به گفته رییس انجمن مددکاری و آسیب‌شناسی کشور، مشکل همیشگی ما در مبارزه با اعتیاد آن است که همواره معلول را جسته‌ایم و علت را فراموش کرده‌ایم.^{۱۶}

آثار اجتماعی این پدیده محدود به معتادان نیست و به کل جامعه گسترش یافته است. تحقیقی که در سال ۱۳۸۴ در مشهد صورت گرفت، نشان داد ۷۴/۱٪ مردم معتقدند در آینده فساد، انحراف و جرم در جامعه بیشتر خواهد شد. هم‌چنین ارزیابی ۶۵/۳٪ آنها این است که در آینده مشکلات آنها افزایش خواهد یافت و نگران‌کننده‌تر آن که ۵۸/۲٪ معتقدند دین‌داری در آینده کمتر خواهد شد.^{۱۷} هم‌چنین تحقیق کشوری دیگر که میان جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال انجام گرفت نشان داد ۷۲/۷٪ آنها معتقدند دین‌داری در آینده کاهش خواهد یافت، در حالی که ۷۸/۹٪ آنها معتقدند دین‌داری جلو انحراف و جرم را می‌گیرد.^{۱۸} گرچه آن‌گونه که گذشت، اعتیاد اُم‌المفاسد به شمار می‌رود، پدیده ناهنجار حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ نیز زمینه‌های مناسب برای رشد و گسترش انحرافات و کج‌روی‌های اجتماعی از جمله اعتیاد و مصرف مواد مخدر را فراهم می‌کند. طبق بررسی‌های صورت گرفته در شهر مشهد بیش از ۷۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند که از بسیاری امکانات بهداشتی، رفاهی و خدماتی بی‌بهره‌اند. افرادی که در این مناطق زندگی می‌کنند به دلایل فقر، سطح پایین تحصیلات و بی‌کاری، در معرض ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی فراوانی قرار دارند. آنها به دلیل جدایی از محیط اجتماعی اولیه و سنتی خویش و قرار گرفتن در میان خرده‌فرهنگ‌های متعدد^{۱۹} و متنوع حاشیه شهر، تمایل بسیاری به شکستن هنجارهای اجتماعی و ندیده گرفتن ارزش‌های اجتماعی دارند. در میان این افراد روابط صحیح اجتماعی عمدتاً آسیب دیده، انسجام و هم‌بستگی اجتماعی کاهش یافته و زمینه‌های بسیاری برای رشد ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی فراهم شده است.^{۲۰} طبق نظر جامعه‌شناسان، این وضعیت نابسامان اجتماعی باعث شده جامعه امروز دچار بحران شود و اضطراب و نگرانی شهروندان افزایش یابد.^{۲۱} به نظر اریک فروم انسان امروزی با خود، هم‌نوعانش و با طبیعت بیگانه شده و به کالایی مبدل گشته که باید نیرو و زندگی خود در بازار را به حداکثر سود تبدیل کند. نتیجه این بیگانگی از نظر او احساس ناامنی و اضطراب است.^{۲۲}

وجه غالب جامعه قبل از ظهور «منجی» نیز همین ویژگی‌هاست از جمله این که در این دوره:

- انسان‌ها ظاهری آراسته و باطنی تباه دارند؛
- افراد در برابر یک‌دیگر همه چون گوسفندانی سلیم و در پشت‌سر هم، گرگ‌هایی آدم‌خوارند؛
- انسان‌ها فساد و تباهی را ارزش می‌دانند؛
- ارزش‌ها تبدیل به ضد ارزش و ضدارزش‌ها تبدیل به ارزش شده‌اند؛^{۲۳}
- تباهی اخلاقی و ضعف عواطف خانوادگی بیش از آن چیزی است که بتوان توصیف کرد؛
- آرایش‌های ظاهری، مردان را به زنان و زنان را به مردان شبیه کرده است؛
- فسق و فجور در جامعه افزایش یافته است؛
- امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده و معروف به منکر و منکر به معروف مبدل گردیده است؛
- رفتار فرزندان با والدین وارونه است؛ به مرگ آنها خرسندند، صلح‌رحم فراموش شده و بزرگ و کوچک حدود خود را نمی‌دانند؛^{۲۴}

فرض اصلی این پژوهش آن است که از راه‌بردهای اصلی کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی «انتظار فرج» است. برای آشکار شدن این فرض، ضروری است تبیین‌هایی که از کج‌روی‌ها و انحرافات صورت گرفته بررسی شود، علل و عوامل آنها مشخص، و با تعمق در معنای «انتظار فرج» چگونگی حل مشکل کج‌روی با آن روشن گردد.

- آشفستگی در ارکان جامعه نفوذ کرده و هرج و مرج بر آن حاکم گردیده است؛

- افراد مال یک‌دیگر را می‌خورند و به جان هم سوء قصد می‌کنند؛

- آتش کینه همه‌جا را فرا گرفته و کشتارهای وحشیانه گسترش یافته است؛

- دروغ‌گویی رواج یافته و شهادت‌های ناروا معمول گردیده است؛

- سنت‌های پسندیده گذشتگان فراموش شده و به جای آنها بدعت‌های بی‌پایه و اساس گسترش یافته است؛

- تعهدات اجتماعی کاهش یافته است؛

- پای‌بندی به دین الهی سست گردیده است.^{۲۵}

با توصیفی که از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی گذشت، روشن است که علی‌رغم افزایش سطح آگاهی‌ها و شناخت مردم، گسترش توان نظام سیاسی برای کنترل و نظارت بر جامعه، تشدید مجازات‌ها و... نه تنها از سرعت گسترش انحرافات کاسته نشده، بلکه روز به روز بر سرعت آن افزوده شده است که این به معنای ناکارآمدی روش‌های گذشته است. اکنون سؤال این است که آیا نمی‌توان با مراجعه به دین، راهی را پیش‌نهاد کرد که زمینه کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم کند؟ در پاسخ به این سؤال، فرض اصلی این پژوهش آن است که از راه‌بردهای اصلی کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی «انتظار فرج» است. برای آشکار شدن این فرض، ضروری است تبیین‌هایی که از کج‌روی‌ها و انحرافات صورت گرفته بررسی شود؛ علل و عوامل آنها مشخص، و با تعمق در معنای «انتظار فرج» چگونگی حل مشکل کج‌روی با آن روشن گردد.

تعریف مفاهیم

الف) ناهنجاری اجتماعی

اگر هنجار قاعده کنش اجتماعی باشد، ناهنجاری نقض این قاعده خواهد بود. قواعد کنش را گاه دین و وحی الهی، گاه جامعه و توافق اکثر و گاه قانون مشخص می‌کند. انحرافات را به انحرافات نخستین و ثانویه، انحرافات فردی و گروهی و انحرافات آگاهانه و ناآگاهانه تقسیم‌بندی می‌کنند.^{۲۶}

ب) انتظار

انتظار در لغت به معنای درنگ کردن، نگاهیانی دادن، چشم به راه بودن و نوعی امید داشتن به آینده است، اما در اصطلاح می‌توان دو برداشت کاملاً مجزا برای آن در نظر گرفت: از یک جهت انتظار به «متروک بودن» ترجمه می‌شود که در آن افراد خود را تسلیم وضع موجود می‌دانند و هیچ اقدام آینده‌نگرانه‌ای برای اصلاح امور نمی‌کنند.

آنها دست روی دست می‌گذارند و منتظر منجی می‌شوند تا از راه برسد و امور را سامان‌دهی کند و به آنها واگذارد. در این شرایط، مسئولیت‌های اجتماعی و فردی تعطیل شده و راه برای گسترش و اشاعه فساد و فحشا باز می‌شود. انتظار به این معنا، آثار عجیب و فراوان دیگری نیز دارد؛ از جمله تعطیلی بسیاری از حدود و فرمان‌های الهی در دین که مسئولیت‌های اجتماعی و فردی هر مسلمان به شمار می‌رود. در چنین شرایطی قطعاً جامعه قبل از رسیدن منجی بر اساس سنت‌های الهی، نابود و منقرض خواهد شد. بنابراین، این برداشت از انتظار مخدر و نابودکننده است و طبیعی است که منظور روایات شریف آن نیست؛ چراکه انتظار بهترین عمل امت اسلام شمرده شده و برای آن پاداش فراوانی در نظر گرفته شده است. در طول تاریخ گروه‌ها و افرادی بوده‌اند که با تمسک به چنین برداشت سطحی از انتظار، مدت‌ها خود و اطرافیان خویش را سرگرم کرده‌اند، اما این کجا و احکام مترقی و پویای دین کجا!^{۲۷} با این حال، انتظار گرچه معنای چشم به‌راه بودن و امیدواری را در ذات خود دارد، می‌توان آن را به گونه‌ای دیگر تبیین کرد. در برداشت دوم، انتظار جزو فطرت انسان است^{۲۸} و حالتی را برای انسان به وجود می‌آورد که از وضع موجود ناراضی است و برای اصلاح امور تلاش می‌کند. انتظار به این معنا، در حقیقت تفکر نفی ظلم و ستم است و تحریک‌بخش، تعهدآور، پویا، سازنده، مسئولیت‌آفرین و بیدارکننده است. هم‌چنین انتظار در این برداشت به معنای عمل و اقدام، پویایی و تحرک، زمینه‌سازی و آمادگی و نیز برای هر فرد برنامه‌ریز و آینده‌نگر، راه‌بردی اساسی در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. انتظار، راهی برای آینده‌نگری و وصول به اهداف بلند در آینده است. باید اذعان کرد هر کار بزرگ و رسیدن به هر هدف بلندی بدون داشتن دوره‌ای انتظار، ابتر باقی خواهد ماند و چنان‌چه این دوره برای آن طی نگردد، کار به خوبی صورت نخواهد گرفت. هرچه هدف بزرگ‌تر باشد، دوره انتظار نیز وسیع‌تر و گسترده‌تر خواهد بود.^{۲۹}

ریشه‌یابی ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی

تبیین‌هایی که از پدیده کج‌روی ارائه گردیده، با توجه به رویکردهای مختلف، آشکارا تفاوت یافته است؛ برای مثال، دیدگاه زیست‌شناسانه نقص عضو را عامل اصلی کج‌روی به شمار می‌آورد، در حالی که در دیدگاه روان‌شناسانه مسائل روانی زمینه‌ساز و علت کج‌روی قلمداد می‌شوند. تبیین‌های جامعه‌شناسانه با هر دو تبیین تفاوت اساسی دارد و واقعیت اجتماعی را زمینه‌ساز و علت کج‌روی می‌داند. در این نوشتار سعی می‌شود بعضی از تبیین‌های جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. علت‌یابی^{۳۰} کج‌روی در حوزه جامعه‌شناسی را در سه پارادایم «نظم اجتماعی»، «تضاد اجتماعی» و «کنش متقابل اجتماعی» می‌توان طرح و بررسی کرد. گرچه تاکنون دسته‌بندی‌های متفاوت و مناسبی از علل نظری کج‌روی ارائه گردیده، ممکن است دسته‌بندی زیر جواب‌گوی پرسش نخست این مقاله باشد.

الف) ضعف و سستی نظارت و کنترل اجتماعی

بررسی‌ها نشان می‌دهد در سه رکن جامعه امروز، یعنی خانواده، وضعیت شغلی و اجتماعات محلی، تغییری به وجود آمده که آثار آن در کنش‌های اجتماعی همه شهروندان مشهود است.^{۳۱} برای مثال خانواده که نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی، روحی، عاطفی و اجتماعی فرزندان دارد و زمینه خودشناسی و هویت‌یابی افراد را فراهم و در رشد و شکوفایی استعدادها به آنها کمک می‌کند، دچار تغییر در کارکردهای اساسی گردیده است. اعضای خانواده امروزی مدت‌های طولانی را خارج از خانواده به سر می‌برند و گاه تنها برای خوابیدن به منزل مراجعه می‌کنند، به همین دلیل روابط اجتماعی متقابل در خانواده کاهش یافته و صمیمیت و دوستی اعضا به تدریج به روابط رسمی و عقلانی تبدیل گردیده است. خانواده‌ای که در گذشته بخش عمده‌ای از جریان جامعه‌پذیری را برعهده داشت و نظارت و کنترل او بر اعضا تا حدود بسیاری رفتارها را اصلاح می‌کرد، سست و ضعیف گردیده است. از سوی دیگر، به دلیل این که بعضی اعضای خانواده نمی‌توانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند، خانواده دچار گسیختگی شده است.^{۳۲} درباره اجتماعات محلی نیز باید گفت در جامعه امروز اجتماعات محلی ضعیف شده و افراد از حمایت‌های آنها برخوردار نیستند. اگر در گذشته میزان ماندگاری افراد و خانواده‌ها در محله بالا بود و نظارت و کنترل اجتماع محلی بر افراد محله مانع جدی در بروز کج‌روی به شمار می‌رفت، در حال حاضر میزان ماندگاری افراد در اجتماعات محل کاهش یافته و جابه‌جایی‌ها بسیار گسترش یافته است. از سوی دیگر گسترش مهاجرت‌ها، تنوع فرهنگی و قومی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، امکان نظارت و کنترل اجتماعی محلی را بسیار کاهش داده و شاید در بسیاری از شهرهای بزرگ، اجتماع محلی دیگر با کارکردهای گذشته مصداق نداشته باشد. نمونه بارز این وضعیت را در حاشیه شهرها می‌توان به خوبی مشاهده کرد و به همین دلیل میزان جرم و جنایت در حاشیه شهرها نسبت به محله‌های دیگر بسیار بیشتر است.^{۳۳}

مشاغل نیز در جامعه امروز با تغییر اساسی روبه‌رو گردیده‌اند و بیشتر جنبه قراردادی و موقت یافته‌اند. به همین دلیل هویت شغلی پایدار در افراد شکل نمی‌گیرد و مشاغل همانند گذشته قادر به کنترل رفتار افراد نیستند. بنابراین، احساس امنیت در میان شهروندان کاهش یافته و افراد از این طریق به سمت رفتارهای کج‌روانه گرایش یافته، وارد شبکه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر می‌شوند.^{۳۴} البته آن چه گذشت در خصوص کنترل بیرونی است، ولی باید گفت که تأثیر کنترل درونی بیش از کنترل‌های بیرونی است که متأسفانه با کاهش بیشتری نیز روبه‌رو بوده، چراکه میزان پای‌بندی به تعهدات اجتماعی، ارزشی و دینی کاهش یافته است. بر اساس نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، کاهش نظارت و کنترل اجتماعی باعث کاهش انسجام، هم‌بستگی و یک‌پارچگی اجتماعی می‌شود که از این طریق اقتدار ناشی از یک‌پارچگی اجتماعی در جامعه کاهش و به تبع آن توان پیش‌گیرانه ناهنجاری‌های اجتماعی هم کاهش می‌یابد. همه این موارد یک نتیجه دربردارد؛ افزایش ناهنجاری و کج‌روی اجتماعی.^{۳۵}

به طور طبیعی برای کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی، باید میزان نظارت و کنترل اجتماعی افزایش یابد. به عبارت دیگر، باید زمینه‌های درونی شدن کنترل‌های اجتماعی را در افراد فراهم و کنترل و نظارت بیرونی را تقویت نمود تا از طریق آن یک‌پارچگی اجتماعی افزایش و ناهنجاری‌ها کاهش یابند. با این حال، تغییرات اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده، امکان بازگشت به راه‌ها و شیوه‌های تقویت نظارت^{۳۶} و کنترل اجتماعی گذشته را مسدود می‌کند. بنابراین، باید راهی‌گزینش و اجرا گردد که ضمن داشتن نقاط قوت روش‌های گذشته، از پویایی و قدرت هم‌آهنگی با شرایط جدید و زمان حال نیز برخوردار باشد. ادعای این مقاله آن است که این راه از طریق «انتظار فرج» حاصل می‌گردد که توضیح آن در جایگاه خود ارائه خواهد شد.

ایمان و عقیده به ارزش‌ها و باورهای دینی در جامعه عنصری اساسی در حفظ و حراست افراد به شمار می‌رود. هر چه ایمان افراد قوی‌تر و مستحکم‌تر باشد، کمتر دچار انحراف و کج‌روی می‌شوند.

ب) کاهش وابستگی و تعلق خاطر به جامعه و ارزش‌ها

یکی از پایه‌های شکل‌گیری گروه، احساس تعلق خاطر و وابستگی به گروه است که چهار عنصر اساسی دارد:

۱. علاقه: تراویس هیرشی معتقد است کج‌روی در درجه نخست ناشی از ضعف و کاهش وابستگی و تعلق خاطر به جامعه است.^{۳۷} اگر کسی به جامعه و گروه خویش علاقه‌مند باشد، به هیچ وجه حاضر نخواهد شد هنجارهای اجتماعی آن را نقض کند. او نه تنها خود ناقض هنجارها نخواهد بود، بلکه جلو افراد دیگری را که قصد شکستن هنجارها را دارند نیز خواهد گرفت.

۲. تعهد: تعهد نیز به معنای دین فرد به جامعه است که چهار شکل می‌تواند داشته باشد: تعهد ارزشی، تعهد اجتماعی، تعهد به اهداف جمعی و تعهد به منابع اقتصادی.^{۳۸} هر چه احساس دین فرد در این چهار جهت به جامعه بیشتر باشد، کمتر دچار انحراف و کج‌روی خواهد شد.

۳. مشارکت اجتماعی: این عنصر نیز عنصر دیگر وابستگی به جامعه است که به میزان و نوع فعالیت‌های اجتماعی انسان اشاره دارد. هر چه این فعالیت‌ها بیشتر و گسترده‌تر باشد، خطر انحراف و کج‌روی، افراد را کمتر تهدید می‌کند، لکن افراد بی‌کار و کسانی که مشارکت اجتماعی کمتری دارند، بیشتر در معرض خطرند.

۴. ایمان و عقیده: ایمان و عقیده به ارزش‌ها و باورهای دینی در جامعه عنصری اساسی در حفظ و حراست افراد به شمار می‌رود. هر چه ایمان افراد قوی‌تر و مستحکم‌تر باشد، کمتر دچار انحراف و کج‌روی می‌شوند.

آن‌گونه که پیداست، چهار عنصر وابستگی و تعلق خاطر به جامعه نیز ابزار کنترل اجتماعی به شمار می‌روند و با آن ارتباط تنگاتنگی دارند. بنابراین، اگر علاقه افراد به جامعه و فرهنگ کاهش یابد و تعهد آنها به جامعه به سستی گراید و نیز اگر مشارکت اجتماعی افراد اندک گردد و پای‌بندی‌های دینی و اخلاقی آنها کاسته شود، به شدت در معرض انحراف و کج‌روی خواهند بود. باید کاری کرد که علاقه‌مندی افزایش یابد، تعهدات اجتماعی و ارزشی فزونی گیرد، مشارکت اجتماعی همه‌گیر و گسترش یابد و نیز پای‌بندی دینی و اخلاقی انسان‌ها تعمیق و افزایش یابد. گرچه ممکن است راه‌های گذشته نیز تأثیری توجه‌پذیر در این جهت داشته باشند، لکن تأثیر دین و به‌ویژه عنصر ویژه آن یعنی انتظار فرج شگفت‌آفرین است.

ج) کاهش سرمایه اجتماعی

یکی از مفاهیم و سازه‌هایی که اخیراً در جامعه‌شناسی و حتی مدیریت، ظهوری پررنگ و معنادار یافته، مفهوم «سرمایه اجتماعی»^{۳۹}

است. به دلایل متعدد، فهم و سنجش این مفهوم روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار شده و محققان بیشتری را به خود مشغول کرده است. مواردی مانند گسترش لجام گسیخته شهرنشینی، اضمحلال جوامع سنتی و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به آن، زوال خانواده و سست شدن بنیان آن و... شرایطی را دامن زده که مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی از اولویت‌های پژوهشی هر کشوری به‌ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. در شهر و دیار ما نیز نشانه‌های بسیاری گویای آن است که باید به موضوع «سرمایه اجتماعی» توجه جدی نمود. آن‌چه پیداست و احساس عمومی نیز آن را درک می‌کند این است که صداقت و راستی، اعتماد متقابل، علاقه و... در جامعه ما به زوال و تجرد و انزوا کشیده شده و در مقابل، استرس، اضطراب و... رو به افزایش است.

«فوکویاما» سرمایه اجتماعی را هنجاری غیررسمی می‌داند که همکاری بین افراد را ارتقا می‌دهد. از نظر او سرمایه اجتماعی خود هنجار است، اما محصول هنجارهای اجتماعی نیز به شمار می‌رود. بر اساس تعریف «فوکویاما» عناصری همانند اعتماد اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و مشارکت اجتماعی همه نتیجه سرمایه اجتماعی هستند و سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و شکل می‌دهند.^{۴۰} «پوتنام» نیز سرمایه اجتماعی را عبارت از ویژگی‌های نظام‌مند سازمان اجتماعی هم‌چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌های ارتباطی می‌داند که با تسهیل اقدامات هم‌آهنگ، کارآمدی جامعه را افزایش می‌دهد.^{۴۱}

عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی، پای‌بندی اخلاقی و دینی و روابط اقتدار. چنان‌چه در جامعه‌های اعتماد اجتماعی کاهش یابد، بدبینی به هم‌دیگر افزایش یافته و زمینه کاهش روابط متقابل اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی را فراهم می‌کند که خود زمینه‌ساز کاهش روابط اقتدار در جامعه به شمار می‌رود. چنان‌که گفته شد، مشارکت اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و پای‌بندی‌های اخلاقی و دینی از عناصر وابستگی و تعلق خاطر به گروه و جامعه‌اند که در صورت روبه‌رو شدن با ضعف و سستی باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی خواهند شد. از سوی دیگر، همین عناصر از اجزای اصلی تأمین‌کننده نظارت و کنترل اجتماعی به شمار می‌روند که اگر ضعف و سستی یابند، نظارت و کنترل اجتماعی (بیرونی و درونی) کاهش خواهد یافت.

به گمان نگارنده، «انتظار فرج» عنصری پویا و تحرک‌آفرین در فرهنگ تشیع است که توان افزایش سرمایه اجتماعی را به کامل‌ترین شکل داراست که توضیح آن خواهد آمد.

د) فقدان اجماع ارزشی و هنجاری در جامعه

از آن‌جا که هنجارهای اجتماعی، قواعد کنش اجتماعی افراد به شمار می‌روند و جهت‌گیری کنشی افراد را معین می‌کنند، شکستگی و گسستگی در هنجارهای اجتماعی، باعث سردرگمی و هرج‌ومرج اجتماعی می‌شود. در این شرایط نابسامان، افراد قادر به برقراری روابط

منطقی خویش با جامعه نیستند و نمی‌توانند اهداف و کنش‌های خود را در شرایط مختلف تنظیم کنند؛ چراکه قواعد کنش در هم ریخته است. این شرایط، یک‌پارچگی و انسجام اجتماعی را از هم می‌پاشد و باعث بروز انحراف و کج‌روی در جامعه می‌شود.^{۴۲} از سوی دیگر عدم وفاق ارزشی و هنجاری در جامعه، باعث از هم پاشیدن اقتدار ناشی از یک‌پارچگی اجتماعی و عدم کنترل و نظارت جامعه بر افراد می‌شود.^{۴۳} این وضعیت که از آن به «آنومی» (بی‌هنجاری) نیز یاد می‌شود، وضعیت اجتماعی ویژه‌ای است که در آن فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که به درون خویشتن خود پناه می‌برد و بدبینانه، همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند و دچار انحراف و کج‌روی می‌شود و از آن‌جا که نظارت و کنترل اجتماعی جامعه هم بر او کاهش یافته، ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی وی افزایش می‌یابند. فرض این مقاله آن است که «انتظار فرج» آن چنان وفاقی در ارزش‌ها و هنجارها ایجاد می‌کند که هیچ‌گاه جامعه دچار آنومی نخواهد شد و گسستگی در ارزش‌ها و هنجارها نیز به وجود نخواهد آمد.

ه) عدم تعادل ساختاری

بررسی سیاست‌های اجتماعی در بعضی جوامع نشان می‌دهد بین اهدافی که برای مردم تعریف می‌شود و فرصت‌ها و ابزاری که برای رسیدن به این اهداف در اختیار آنها قرار می‌گیرد، فاصله و شکاف عمیقی وجود دارد. برای نمونه، اگر در جامعه‌ای پول‌دار و ثروتمند شدن ارزش اجتماعی باشد و برای آن به گونه‌ای تبلیغ شود که جزو اهداف هر فردی از افراد جامعه قرار گیرد، لازم است امکانات و فرصت‌های رسیدن به این هدف برای همه یک‌سان فراهم گردد، در حالی که به هیچ وجه این گونه نیست و تنها عده‌ای اندک می‌توانند از طریق در اختیار داشتن فرصت‌ها و ابزار مناسب به هدف مورد نظر نایل گردند و برای اکثر مردم چنین فرصت و ابزاری وجود ندارد و به قول مرتن^{۴۴} آنها برای رسیدن به اهداف خویش از طریق راه‌های غیرمشروع اقدام می‌کنند. در حالی که ادعای این نوشته آن است که در فرهنگ انتظار، اهداف به گونه‌ای تعریف می‌شوند که همه افراد توان رسیدن به آن را دارند و ابزار و فرصت‌های مورد نیاز برای وصول به این هدف به صورت یک‌سان در اختیار همه قرار می‌گیرد. یک‌پارچگی و انسجام در فرهنگ انتظار آن قدر بالاست که به معنای واقعی، همه خود و دیگران را یکی می‌پندارند و هدف واحد و مشخصی را با عشق و عاطفه تعقیب می‌کنند.

و) تضاد و تعارض ارزش‌ها و هنجارها

در جامعه امروز به دلیل تنوع سلیقه‌ها و تمایلات، شکاف نسلی، تنوع فرهنگی و قومی و گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، ارزش‌های متفاوت و گاه متضادی در جامعه تبلیغ و ارائه می‌گردد. نگاهی محققانه به آن‌چه از این رسانه‌ها ارائه می‌گردد، نشان می‌دهد گاه زندگی تجملی، پول، قدرت و دنیاگرایی تبلیغ می‌شود و گاه اهداف و ارزش‌های والای دینی ارائه می‌شود که کاملاً با آن شرایط در تضاد قرار دارند. گاه انسان‌دوستی، کمک به دیگران و از خودگذشتگی و ایثار به مردم آموزش داده می‌شود و زمانی دیگر یا هم‌زمان، ارزش‌های عکس این موارد ارائه می‌گردند. در خانواده، ارزش‌ها و هنجارهایی به فرد ارائه می‌گردد که در جامعه یا مدرسه ضداً ارزش به شمار می‌روند. برای مثال، در تعلیمات مذهبی و دینی، دنیاگرایی و پول‌پرستی ضداً ارزش تلقی می‌شود در حالی که در واقعیت اجتماعی، بدون توجه جدی به دنیاگرایی و پول، امکان زندگی برای افراد فراهم نیست. گاه پوشیدن چادر هم‌چون ارزشی برای زن تبلیغ می‌شود و گاه ضداً ارزش تبلیغ می‌گردد. تضاد ارزشی، به وجود آورنده تضاد هنجاری در جامعه است که جامعه را به دو یا حتی چند قطب گاه کاملاً متضاد تقسیم می‌کند. هم‌چنین تضاد هنجاری و ارزشی نظم و یک‌پارچگی اجتماعی را با مشکل مواجه می‌کند، روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد، زمینه کاهش اعتماد اجتماعی را فراهم می‌آورد و روابط عاطفی و

«انتظار فرج» عنصری پویا و تحرک‌آفرین در فرهنگ تشیع است که توان افزایش سرمایه اجتماعی را به کامل‌ترین شکل داراست که توضیح آن خواهد آمد.

دوستانه را محدود و خاص گرایانه می‌کند.^{۴۵} این وضعیت باعث کاهش سرمایه اجتماعی و نیز تضعیف نظارت و کنترل اجتماعی در جامعه می‌شود که از این طریق انحرافات اجتماعی به شدت افزایش می‌یابند. البته باید توجه داشت نظریات دیگری وجود دارند که به تبیین کجروی پرداخته‌اند. با دقت نظر می‌توان گفت آنها را نیز می‌توان با راهبرد نظارت و کنترل اجتماعی تبیین کرد و مدعی شد چنانچه فرآیند نظارت و کنترل اجتماعی کارآمدی لازم را داشته باشد، امکان کجروی از طریق «برچسب زدن»، «هم‌نشینی» و «یادگیری» کاهش خواهد یافت. نظریات دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که ضرورتی به طرح آنها نیست. در هر صورت عوامل زمینه‌ساز کجروی و انحراف آن قدر گسترده و تأثیر گذارند که چنانچه بتوان با راهبردی مشخص و کارآمد آنها را اصلاح کرد، بخش عمده‌ای از انحرافات و کجروی‌های اجتماعی کاهش خواهند یافت. ادعای این مقاله این است که با راهبرد «انتظار فرج» زمینه‌های کجروی و انحرافات را می‌توان اصلاح کرد و میزان آنها را می‌توان کاهش داد.

انتظار فرج؛ راهبرد دین برای رشد و تعالی بشر

قرآن کریم در سیزدهمین آیه سوره شوری می‌فرماید:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...﴾؛

از [احکام] دین، آنچه را به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید

خداوند متعال در این آیه شریفه تمام شریعی را که از ابتدا تا کنون ظهور یافته و می‌توانسته‌اند بشر را به کمال و سعادت واقعی خویش برسانند، برشمرده و آنها را در پنج شریعت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی: و محمد ﷺ منحصر می‌نماید؛ زیرا اگر شریعت دیگری وجود می‌داشت، خداوند بزرگ باید در این جا که مقام بیان جامعیت شریعت است، از آن نام می‌برد. بنابراین، این پنج تن که در آیه شریفه آمده‌اند، بزرگان انبیا هستند و آیه شریفه ﴿إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْ نوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ﴾^{۴۶} تأیید آن به شمار می‌رود.^{۴۷}

از آیه شریفه فوق می‌توان استفاده کرد که غیر از این پنج دین، هر دین دیگری که از ابتدا تا کنون وجود داشته یا بعد ادعای ظهور کند، ساخته دست بشر است و چون بر کسی پوشیده نیست که آن چه از اندیشه، علم و قوانین و مقررات به وسیله بشر حاصل می‌شود، به

سرعت در حال تغییر و تحول است و اعتبار خویش را از دست می‌دهد، لازم است کسی غیر از خود بشر راهنمای سعادت او باشد و آن کسی نیست جز ذات باری تعالی.

بر اساس آن چه در سیزدهمین آیه سوره مبارکه شوری بر پیامبر اسلام ﷺ نازل گردیده «بر همه مردم واجب است دین خدا را به طور کامل به پا دارند و در انجام این وظیفه تبعیض قائل نشوند، یعنی پاره‌ای از احکام دین را به پا دارند و پاره‌ای را رها کنند. اقامه کردن دین، یعنی باید آن چه خدا بر انبیا نازل کرده - که یک دین است - به تمامی اقامه شود و در آن ایجاد تفرقه نکنند؛ زیرا پاره‌ای از احکام الهی در همه ادیان بوده و معلوم است که چنین احکامی مادام که بشر عاقل و مکلفی در دنیا باشد، آن احکام نیز باقی است و وجوب اقامه آن واضح می‌باشد و پاره‌ای دیگر از احکام وجود دارند که در شرایط قبلی بوده و در شریعت بعدی نسخ شده، این گونه احکام در حقیقت عمر کوتاهی داشته، مخصوص طایفه‌ای از مردم و در زمان خاصی بوده است و معنای نسخ شدن آن، آشکار شدن آخرین روز عمر آن احکام است، نه این که معنای نسخ شدنش این باشد که آن احکام باطل شده باشد. پس حکم نسخ شده نیز تا ابد حق است. چیزی که هست آن است که این احکام مخصوص طایفه و زمان معینی بوده و آن طایفه و اهل آن زمان باید به آن حکم هم ایمان داشته باشند و هم به آن عمل کرده باشند، اما بر دیگران واجب است تنها به آن ایمان داشته باشند و بس و دیگر واجب نیست که به آن عمل کنند. معنای اقامه این احکام همین است که قبولش داشته باشند... جمله ﴿أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ...﴾ به اطلاقش باقی است و شامل همه مردم در همه زمان‌ها می‌باشد.»^{۴۸}

ترتیب زمانی پنج شریعت مذکور بدین صورت بوده: شریعت حضرت نوح ﷺ، شریعت حضرت ابراهیم ﷺ، شریعت حضرت موسی ﷺ، شریعت حضرت عیسی ﷺ و سرانجام شریعت حضرت محمد ﷺ.^{۴۹} بنابر آیه مذکور، پیروان حضرت نوح ﷺ باید فقط به آن چه آن حضرت از نزد خدا آورده، ایمان می‌داشتند، اما پیروان حضرت ابراهیم ﷺ علاوه بر ایمان به آن چه پیامبرشان از نزد خدا آورده بود، باید به شریعت حضرت نوح ﷺ نیز اعتقاد می‌داشتند. همچنین پیروان حضرت موسی ﷺ نیز لازم بود علاوه بر اعتقاد به شریعت پیامبران خود، به شریعت پیامبران گذشته نیز ایمان داشته باشند. در نهایت پیروان حضرت محمد ﷺ، پیامبر خاتم، لازم است علاوه بر اعتقاد به شریعت محمدی به چهار شریعت قبل نیز اعتقاد داشته باشند. البته منظور از اعتقاد داشتن، همان چیزی است که به نقل از تفسیر المیزان گذشت و نه چیز دیگر. از سوی دیگر دو آیه زیر را نیز باید مورد توجه قرار داد:

﴿نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَاتِ وَ الْإِنْجِيلَ﴾؛^{۵۰}

این کتاب را در حالی که مؤید آن چه [از کتاب‌های آسمانی] پیش از خود می‌باشد، به حق [و به تدریج] بر

تو نازل کرد و تورات و انجیل را... .

﴿وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاتِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ...﴾^{۵۱}
و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او احمد است، بشارت‌گرم... .

این دو آیه نشان می‌دهد که همه این پنج پیامبر بر پیامبری که بعد از آنها خواهد آمد، تصریح کرده‌اند. او را با اسم و مشخصات معرفی و شریعت قبلی خویش را نیز تصدیق کرده‌اند.^{۵۲} این موضوع نشان می‌دهد ارتباط این پنج شریعت با یکدیگر به گونه‌ای نزدیک و تنگاتنگ است که ظاهراً هیچ اختلاف و تناقضی بین آنها وجود ندارد و در حقیقت این پنج شریعت، پنج شأن از شئون یک واقعیتند که در پنج مرحله زمانی و در طول یکدیگر واقع شده‌اند.

از این مسئله نتیجه می‌گیریم که اصولاً «دین» نزد خدای سبحان یکی است، اختلافی در آن نیست و خداوند، بندگان خود را امر نکرده، مگر به پیروی از همان دین و بر انبیاى خود هیچ کتابی نازل ننموده، مگر درباره همان دین و هیچ آیت و معجزه‌ای نیاورده، مگر برای همان دین و آن دین واحد عبارت است از «تسلیم شدن» در برابر «بیانی» که مقام ربوبی در مورد عقاید و اعمال یا معارف و احکام صادر می‌نماید. گرچه این «بیان» به طوری که قرآن حکایت نموده، از نظر کمیت و کیفیت در شرایع پنج پیامبر الهی متفاوت است، اما از نظر حقیقت چیزی جز همان امر واحد نیست. به عبارت دیگر، معنای جامع و مشخصی که در همه آنها وجود دارد، عبارت است از تسلیم شدن در برابر خدا جهت انجام شریعی که فرستاده و اطاعت از او در آن چه در هر عصری (با زبان پیامبرش) از بندگان می‌خواهد.^{۵۳} «بنابراین، مجموعه دین الهی از نظر اساس و ریشه، همواره و در همه زمان‌ها یکی بیش نیست. به همین دلیل در سایر آیات قرآن، شواهد نشان می‌دهد که اصول کلی عقاید، احکام و وظایف در همه ادیان یکسان و یک‌پارچه است.»^{۵۴}

قرآن شریف در آیه ۱۳۶ سوره بقره نیز می‌فرماید:

﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

بگوئید: ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم. میان هیچ‌یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم.

این آیه شریفه و نیز آیات دیگری از قرآن بیان می‌کنند که همه پیامبران خدا یک هدف را تعقیب می‌کرده‌اند و هیچ‌گونه جدایی در میان آنها نیست؛ زیرا همگی وحی و الهام را از یک منبع دریافت نموده‌اند.^{۵۵} بنابراین، از نظر عقلی نیز هیچ توجیهی ندارد که خداوند دانا در زمان‌های مختلف چیزهایی به پیامبران خویش وحی نماید که با یکدیگر در تضاد باشند، یا هم‌دیگر را نقض کنند. بنابر حکم آیات الهی و عقل انسان، به دلیل تکامل نسل‌های بشر در طول تاریخ (از نظر عقلی و قدرت دریافت وحی الهی) «پیامبران خدا همانند معلمانی بودند که هر یک جامعه بشریت را در یک کلاس پرورش دادند. بدیهی است با پایان یافتن دوران تعلیم هر یک، افراد بشر به دست معلم دیگری در کلاس بالاتر سپرده می‌شدند». به همین دلیل قرآن مجید در آیه شریفه یادشده «به مسلمانان توصیه می‌کند برای تمام پیامبران الهی احترام یکسان قائل شوند».^{۵۶}

در هر زمان متناسب با رشد و تکامل جوامع بشری، خداوند بخشی از شریعت را می‌فرستاد و تنها

رشد و تکامل فکری و عقیدتی انسان‌ها، فقط از طریق انتظار فرج امکان‌پذیر است، همچنان‌که با راهبرد انتظار، رشد و تعالی فکری و عقیدتی انسان‌ها در گذشته نیز فراهم گردید و در تاریخ می‌توان نمونه‌هایی از آن را یافت.

تفاوت آنها «از نظر اجمال و تفصیل و میزان فروع» بود و نه چیز دیگر. تا این که بشر به تدریج و پله پله پس از دوره‌ای انتظار به حدی از بلوغ فکری و عقلی رسید که ظرفیت پذیرش عالی‌ترین معارف الهی را پیدا نمود. در این شرایط، «بشر از نظر معرفت و علم به عالی‌ترین موقف رسید» و همین رشد و تکامل باعث شد رسالت ختم گردد و حضرت محمد ﷺ پیامبر خاتم، (ضمن تصدیق پیامبران گذشته) کامل‌ترین شریعت را که دربرگیرنده همه شرایع گذشته بود، برای همیشه بشر از طرف خداوند بیاورد.^{۵۷}

به طور طبیعی، رسالت آخرین پیامبر الهی که اساس شریعت او همان اساس و پایه شرایع پیامبران گذشته و از نظر هدف نیز با آنها یکسان است و ماهیت شریعت او نیز همانند پیامبران گذشته «تسلیم شدن» در برابر «بیان» الهی است، باید به صورت صحیح، مورد پذیرش دین‌داران پیامبران گذشته قرار می‌گرفت؛ زیرا به دلیل ماهیت پلکانی و انباشتگی شرایع الهی، هر یک از پیامبران گذشته که در زمان پیامبر بعد از خود حاضر می‌بودند، قطعاً از او فرمان می‌بردند و به شریعت او گردن می‌نهادند. هم‌چنین اگر همه پیامبران خدا در زمان آخرین فرستاده الهی زنده می‌بودند، تحت فرمان او قرار گرفته، از او فرمان می‌بردند و در زمره پیروان شریعت او درمی‌آمدند.

ظاهراً تنها دلیل سرپیچی پیروان پیامبران گذشته از این فرمان، نداشتن ایمان واقعی به پیامبر خویش و دستوره‌ای او و نیز وجود منافع شخصی، قومی و نژادی خود در شریعت الهی است؛ زیرا هر یک از پیامبران گذشته، پیامبران بعد از خود را با اسم، مشخصات، شرایط و زمان و حتی مکان ظهور وی مشخص نموده و به پیروان خویش گفته بودند و آنها نیز دوره‌ای انتظار گاه طولانی را گذرانده بودند. برای نمونه می‌توان به آیه شریفه ۴۱ سوره بقره اشاره کرد که می‌فرماید:

﴿وَأَمِنُوا مَا آتَيْنَاهُمْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَّا قَلِيلًا وَآيَاتٍ فَاتَّقُون﴾^{۵۸}
و بدانچه نازل کرده‌ام - که مود همان چیزی است که با شماست - ایمان آرید؛ و نخستین منکر آن نباشید، و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید، و تنها از من پروا کنید.

خداوند بزرگ در صدر این آیه شریفه به یهود که بیشترین مخالفت و تضاد را با پیامبر اسلام ﷺ داشتند، دستور می‌دهد: به قرآن و پیامبر ایمان بیاورید؛ زیرا قرآن، مصدق و گواه تورات است که تورات نیز صفات پیامبر اسلام ﷺ و معتقدات صحیح را بیان می‌کند. اگر شما صفات پیامبر اسلام ﷺ را با آن چه در کتاب تورات می‌یابید، تطبیق دهید، خواهید یافت که قرآن از طرف خدا و آورنده آن نیز راست‌گوست. قرآن، مصدق کتابی است که نزد خود شما (یهود) وجود دارد؛ همان بشاراتی که تورات و پیامبران پیشین برای پیروان خود آورده‌اند: «پیامبری با چنین اوصافی خواهد آمد، آن بشارت را قرآن نیز

تصدیق می‌کند.»^{۵۸}

در شأن نزول بخش پایانی این آیه شریفه که دلیل عدم ایمان یهود را به پیامبر اسلام ﷺ بیان می‌کند، از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

جمعی از [ثروت‌مندان] یهود مانند «حی بن اخطب» و «کعب بن الاشرف»، بر توده‌های یهود فرض و لازم کرده بودند که هر سال غذا و طعامی به آنها بدهند و چون اسلام این حکم را باطل نمود، صفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در تورات تحریف کردند تا آن چه از مردم می‌گرفتند، باقی بماند.^{۵۹}

تا این‌جا نتایج و اصول زیر را می‌توان استنباط و ارائه کرد:

۱. پیامبران الهی که دارای شریعت بوده‌اند، پنج نفر بیشتر نیستند که عبارتند از حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی: و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سایر پیامبران (۱۲۴ هزار پیغمبر) مبلغ این شرایع بوده‌اند؛

۲. هر دینی غیر از پنج شریعت مزبور، ساخته دست بشر بوده و مورد پذیرش قرآن مجید نیست؛

۳. تمام پیامبران الهی، وحی را از منبعی واحد دریافت کرده، هدف واحدی را پی‌گیری کرده‌اند؛

۴. ماهیت شرایع همه پیامبران الهی یک‌پارچه و واحد و عبارت از «تسلیم شدن» در برابر خداوند بوده است؛

۵. تفاوت شرایع پیامبران در اجمال و تفصیل و نیز میزان فروع در آنها بوده است؛

۶. همه پیامبران الهی، پیامبر قبل از خود را تصدیق و به پیامبران بعد از خود بشارت داده‌اند؛

۷. انتظار ظهور منجی در تمام شرایع الهی وجود داشته و در فاصله ظهور شریعتی تا شریعت بعدی، مردم در انتظار فرج به سر می‌برده‌اند؛

۸. شرایع پیامبران الهی در حقیقت پنج شأن از شئون یک واقعیت و حقیقت هستند که به صورت پلکانی، حکایت‌گر یک مسیر و یک هدف هستند؛

۹. شریعت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله آخرین مرحله و درجه تکاملی دین الهی است که تمام نیازهای بشر را جواب‌گوست و همه شرایع گذشته را دربرمی‌گیرد؛

۱۰. شرایع پیامبران الهی حقیقت واحدی هستند که عبارت است از «تسلیم شدن» انسان در برابر «بیان» خداوند.^{۶۰} در سیر تکاملی دین از دیدگاه قرآن، «انتظار فرج» راه‌برد اصلی و اساسی رشد و تکامل فکری و عقیدتی بشر است.

۱۱. دین عبارت است از «تسلیم شدن» در برابر اراده تشریحی خداوند که از اراده تکوینی او ناشی می‌شود و فطرت نیز آن را اقتضا می‌کند. بنابراین، دین خدا همواره یکی است و دین‌داران نسبت به آن بر اساس آیه شریفه ۶۷ سوره آل عمران با یک نام و نه بیشتر و آن هم

با نام «مسلمان» خوانده می‌شوند.^{۶۱}

آن چه گذشت، نشان می‌دهد هر کدام از شرایع الهی با دوره‌ای از انتظار همراه بوده‌اند و اگر آن دوره طی نمی‌شده و به انتها نمی‌رسیده، شریعت بعدی نازل نمی‌گردیده است؛ زیرا رشد و تکامل فکری بشر در هر دوره‌ای اقتضای میزانی از معارف و احکام الهی را داشته و بشر بیشتر از آن را نمی‌توانسته بپذیرد. در نتیجه چهار مرحله تکاملی و چهار دوره انتظار، مرحله‌ای از رشد و تکامل فرا رسید که انسان توانست عهده‌دار معارف و احکام الهی به طور کامل و تمام باشد. بر اساس مطالب پیش گفته مشخص می‌شود تلاش همه انبیا و شرایع الهی، برای شکل‌گیری آخرین شریعت الهی و کامل‌ترین آنها (که همه آنها را دربردارد) بوده است و آن هم در پی شکل‌گیری جامعه مهدوی پس از طی دوره‌ای انتظار است. بنابراین، می‌توان گفت ثمره و نتیجه تلاش همه انبیای الهی شکل‌گیری جامعه مهدوی پس از طی دوره‌های انتظار در طول تاریخ بوده است. این تلاش هم‌زمان با نزول شریعت حضرت نوح علیه السلام شروع و تا کنون به صورت یک پارچه و با هدف واحد پی‌گیری شده است؛ چراکه بر اساس مطالب پیش گفته، دین الهی حقیقی واحد و یک پارچه دارد که شئون آن مختلف اما در طول یک‌دیگر است و هر کدام از این شئون را یکی از پیامبران الهی پایه‌گذاری و آنان نیز هم‌دیگر را تصدیق و تکمیل می‌کنند. جامعه مهدوی که نتیجه شرایع الهی است، اختصاص به قوم، جامعه و فرهنگ خاص و مشخص ندارد و طی مراحل مختلف رشد فکری و عقیدتی بشر در طول تاریخ، پس از بعثت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم شکل خواهد گرفت.

در این دوره نیز رشد و تکامل فکری و عقیدتی انسان‌ها، فقط از طریق انتظار فرج امکان‌پذیر است، هم‌چنان‌که با راهبرد انتظار، رشد و تعالی فکری و عقیدتی انسان‌ها در گذشته نیز فراهم گردید و در تاریخ می‌توان نمونه‌هایی از آن را یافت.^{۶۲} بدون اتخاذ چنین راه‌بردی، اصولاً تکامل و رشد بشر امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل است که در احادیث و روایات درباره مهدویت، رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از اولین کسانی است که این موضوع را بشارت داده و آیندگان را به آن، سفارش نموده است و به همین دلیل است که در روایات متعدد «انتظار فرج» بهترین اعمال امت اسلام قلمداد گردیده و حضرت اباعبدالله الحسین و امام صادق علیهما السلام آرزوی بودن در رکاب منجی را داشته‌اند.^{۶۳} بررسی تاریخ نیز نشان می‌دهد که بالندگی، پویایی و تحرک رو به رشد تشیع و این که هیچ‌گاه با تغییرات سریع اجتماعی - فرهنگی در معرض خطر قرار نگرفته و روز به روز بر پویایی آن افزوده شده، همین راهبرد است. از سوی دیگر دلیل رکود، ایستایی و تحجر در سایر فرق مسلمان نیز نداشتن همین راهبرد یا کم‌رنگ بودن آن در عقایدشان است؛ چراکه تکامل و رشد بدون آن میسر نیست.

البته مسیحیت و یهودیت با درک این موضوع توانسته‌اند به نتایج بسیار عجیبی دست یابند و از تلفیق این دو، فرقه‌ای به نام «صهیونیسیم مسیحی» شکل گرفته که راهبرد اصلی و اساسی آن همین انتظار فرج است،^{۶۴} جالب آن که این فرقه نظام‌های سیاسی را در اکثر کشورهای غربی و از جمله امریکا در قبضه قدرت خویش گرفته و ظاهراً تمام اقدامات سیاسی و نظامی آنها تحت همین راهبرد تفسیر و توجیه می‌شود.^{۶۵}

اکنون ادعا این است که آیا موضوعی با این همه کارآیی و اهمیت که همواره در طول تاریخ مورد عنایت خداوند بزرگ بوده، نباید در راهبردهای اجتماعی و فرهنگی ما جایگاه ویژه‌ای داشته باشد؟ اگر انتظار فرج زمینه رشد و تعالی بشر را در طول ظهور ادیان الهی فراهم کرده، قطعاً می‌تواند نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی را اصلاح کند و سامان دهد.

انتظار فرج؛ راهبرد ایجاد امید و از میان بردن کج‌روی و انحراف

شاید بتوان امید به آینده را از مهم‌ترین عوامل تحرک، پویایی و رشد جامعه، فرهنگ، شخصیت و حتی اقتصاد و سیاست دانست. امید به آینده، راه را بر بسیاری از انحرافات و کج‌روی‌ها می‌بندد و در جنبه‌های مختلف زندگی، شخص را به تحرک و تلاشی مضاعف وادار می‌نماید. افراد ناامید

انتظار ظهور منجی در تمام شرایع الهی وجود داشته و در فاصله ظهور شریعتی تا شریعت بعدی، مردم در انتظار فرج به سر می‌برده‌اند

معمولاً گوشه‌گیر، منزوی و حداقل ساکنند، اما افراد امیدوار نه تنها در مقابل خطرات و آسیب‌های مختلف سر فرو نمی‌آورند و تسلیم شرایط سخت و ناگوار نمی‌شوند، بلکه سختی شرایط را فرصتی مناسب برای ادامه مسیر خویش می‌یابند. در مقابل، انسان‌های ناامید بدون هیچ مقاومتی تسلیم طوفان حوادث شده، در برابر تغییرات، توان و استعداد انسانی خویش را از یاد می‌برند و گاه حتی هستی خویش را نیز بر باد رفته می‌بینند. بنابراین، وجود امیدواری، به جامعه نشاط، تحرک و پویایی می‌دهد و زمینه رشد و شکوفایی استعدادها را فراهم می‌نماید. انقراض و اضمحلال جامعه‌ای که در آن امید مرده است، اگر حتمی نباشد، قطعاً نزدیک خواهد بود.

تأثیر امید بر نظام اقتصادی و سیاسی جامعه بسیار ژرف و عمیق است، لکن اثر آن بر فرهنگ و عناصر فرهنگی از اهمیت بیشتر و در خور توجهی برخوردار است؛ چراکه اگر امید و امیدواری به صورت اصل و اساس فرهنگ در نیامده باشد، هم خود دچار انقراض و مرگ خواهد شد و هم تأثیراتی بسیار منفی در سایر خرده‌نظام‌های جامعه دارد و نظام شخصیتی افراد را نیز نابود خواهد کرد. شاید به همین دلیل است که در فرهنگ اسلامی، ناامیدی (یأس) از جمله گناهان کبیره به شمار آمده و از همین روست که در نظام فرهنگ دینی (تشیع)، عناصر بسیار عظیم فرهنگی برای تزریق امید به جامعه در سطوح مختلف وجود دارد که بهره‌گیری از آنها (همراه با برنامه‌ریزی) جامعه را دچار تحولی شگرف و عمیق خواهد کرد. از جمله این عناصر که امید را وارد خرده‌نظام‌های جامعه می‌کند، شخصیت افراد را به آینده خوش‌بین و امیدوار می‌نماید و از هجوم عناصر فرهنگی بیگانه جلوگیری می‌کند، انتظار ظهور منجی است. متأسفانه نتایج بررسی‌های اجمالی از فرآیندهای فرهنگی رایج و در حال گسترش، نشان از بهره‌گیری اندک نظام سیاسی و برنامه‌ریزان فرهنگی ما از این سرمایه عظیم دارد. در حالی که همان بررسی‌ها چنان که گذشت، حاکی از استفاده‌های فراوان و گاه افراطی سایر مذاهب (به‌ویژه مسیحیت) از همین عقیده، حتی در مسائل نظامی و کشورگشایی است و این غفلت گاه در حدی است که بعضی از مسلمانان با وجود در اختیار داشتن چنین منابع عظیمی، باز هم به آنان گرایش می‌یابند.

شاید یکی از نقش‌های مهم و اساسی هر نظام سیاسی، امیدوار کردن افراد و جامعه باشد؛ چراکه سرزندگی و گام‌های رو به جلو افراد و جامعه، زمینه استقرار و پایداری نظام سیاسی را تقویت و مستحکم می‌کند. بنابراین، هر اندازه که حساسیت نظام سیاسی نسبت به بقای خود بیشتر باشد، باید بر امیدوار کردن اعضای جامعه تأکید بیشتری نماید. ناگفته پیداست که ناامیدی و گسترش آن در سطح جامعه می‌تواند تغییر نظام سیاسی را در پی داشته باشد.

انتظار فرج به زندگی اجتماعی نشاط و امید می‌دهد، نظام فرهنگی را بالنده و پویا می‌کند و با امیدوار کردن افراد جامعه، نظام سیاسی را

از حوادث و ناملایمات محفوظ می‌دارد. با روح امید که از طریق انتظار به ساختارهای اجتماعی تزریق می‌شود، افراد در برابر امواج نیرومند فساد و انحراف بیمه می‌گردند و نه تنها با گسترش دامنه آن، مأیوس نمی‌شوند، بلکه به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک، آتش عشق تیزتر گردد»، وصول به هدف را در برابر خویش می‌بینند و برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق بیشتری تلاش می‌کنند.^{۶۶} طبیعت انسان به گونه‌ای است که با گسترش آلودگی و فساد پس از یأس و ناامیدی از اصلاح شرایط، تصور می‌کند کار از کار گذشته و دیگر نمی‌توان امیدی به اصلاح امور داشت. بنابراین، خود به تدریج جذب شرایط موجود می‌شود و تلاشش را برای اصلاح امور بیهوده تصور می‌کند.^{۶۷} اما امیدی که از طریق «انتظار فرج» بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تزریق می‌گردد، امید به اصلاح نهایی و شکل‌گیری جامعه عدالت‌محور و آرمانی دین است که دین، هر تلاشی در راستای تحقق آن را پیروزی به شمار می‌آورد. به عبارت روشن‌تر، تلاش برای تحقق جامعه مهدوی با هیچ شکستی همراه نیست؛ چراکه حتی مرگ در این راه فوز عظیم و آرزوی هر آزاده‌ای است. شاید به همین دلیل است که منتظران منجی هیچ‌گاه با یأس و ناامیدی مواجه نمی‌شوند و چون همواره امیدواری آنها در اوج قرار دارد، جذب فساد، فحشا و کج‌روی نمی‌شوند و درصدد اصلاح آن بر می‌آیند. راه‌برد انتظار فرج با تلقای امیدی که همراه با عشق، محبت و صمیمیت همراه است، توان کنترل و مهار ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را دارد. آن گونه که پیداست، این امید با چنین ویژگی‌ای زمینه‌های عشق و علاقه افراد را به جامعه و دین افزایش داده، پای‌بندی و تعهد آنها را به نحو چشم‌گیری دو چندان می‌کند و از همه مهم‌تر، به دلیل احساس مسئولیتی که همه افراد نسبت به هم‌دیگر دارند، ضریب نظارت و کنترل اجتماعی به شدت افزایش می‌یابد.

انتظار فرج؛ راه‌برد اصلاح ساختار شخصیتی افراد

از عوامل اصلی انحراف و کج‌روی، شکل نگرش شخصیت پیشرفته و منطبق با ارزش‌ها و باورهای دینی و اجتماعات است. انتظار فرج زمینه‌ای را فراهم می‌کند که منتظران، ارزش‌ها و باورهای دینی را درونی کرده، خود را به گونه‌ای بسازند که در آینده در صف انقلابی‌ها قرار گیرند. آنها باور دارند تنها با داشتن اعمالی پاک و روحی لطیف و برخوردار از آگاهی و صداقت، می‌توانند منتظر جامعه‌ای باشند که ثمره و نتیجه تلاش همه انبیاست. آنها می‌دانند که اگر فاسد و کج‌رو باشند، نمی‌توانند در انتظار نظامی باشند که با افراد منحرف و کج‌رو مبارزه می‌کند و افراد منحرف و کج‌رو هیچ‌گونه نقشی در چنین نظامی ندارند.^{۶۸} بنابراین، منتظران این نظام سیاسی باید باورها و عقاید دینی را به گونه‌ای درونی کنند که دین جزء ذات آنها قرار گیرد و از تمایلات و گرایش‌هایی برخوردار گردند که چیزی جز اهداف دین را پی‌گیری

نکنند. آنها بر اساس آیه دویست سوره آل عمران، با امام خویش «مرابطه» دارند و بنابراین، به درجه «أشدَّ حبًّا لله» می‌رسند و همه چیز را جز او فراموش می‌کنند. منتظران به دلیل این که اعتقاد به نظارت لحظه به لحظه امام و رهبر خویش دارند، خود را همواره در ارتباط با او می‌پندارند و سعی می‌کنند کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فردی خویش را به گونه‌ای تنظیم کنند که از چشم رهبر خویش نیافتند. طبیعت چنین شرایطی که با صبر و مراقبت شدید همراه است، شکل‌گیری شخصیتی مقاوم، پایدار، مستحکم و کاملاً پیشرفته است که از تعادل و پویایی لازم و کافی برخوردار است. چنین شخصیتی هیچ‌گاه دچار انحراف و کج‌روی نمی‌شود و همواره خود را در معرفی قضاوت رهبر حی خویش می‌پندارد و لذا به صورت مدام خطری را متوجه خود می‌داند و به همین دلیل مراقبت او لحظه به لحظه بیشتر و بیشتر می‌شود و این افزایش مراقبت، خود بر استحکام و پایداری بیشتر شخصیت او می‌افزاید. در همین زمینه قرآن مجید می‌فرماید:

﴿أَنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^{۶۸}

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند]: هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.

درونی شدن باورهای اولیه در سازندگی انتظار بسیار مهم و اساسی است، لکن طبق آیه شریفه مذکور، آن چه شخصیت افراد را تبدیل به فولاد آب‌داده‌ای می‌کند که چشمه‌های معرفت و عرفان از آن جاری می‌شود، استقامت، پایداری و صبر است.

بنابراین، انتظار فرج که با استقامت، پایداری و صبر عجین شده، راه‌بردی اساسی برای سازندگی شخصیت افراد به شمار می‌رود.^{۷۰} البته باید توجه داشت که اگر بر اساس انتظار فرج، امیدواری در اوج قرار گیرد، استقامت و پایداری در دوره انتظار مشکل نخواهد بود.^{۷۱} امید، نقشی اساسی در استقامت و پایداری و در نتیجه ساختن شخصیت افراد دارد که بر اساس مطالب پیش‌گفته انتظار فرج، امیدواری را به مرحله‌ای می‌رساند که هیچ یأس و ناامیدی در آن نفوذ نمی‌کند.

انتظار فرج؛ راه‌برد افزایش نظارت و کنترل اجتماعی

چنان که گذشت، نظارت و کنترل اجتماعی به دو بخش تقسیم می‌شود: درونی و بیرونی. نظارت و کنترل درونی زمانی کارآمد می‌شود که شخصیت افراد به گونه‌ای شکل گرفته باشد که خودکنترلی در آن تقویت شده، و هر کس موعظه‌گر خویش باشد. به عبارت دیگر باورها، ارزش‌ها و هنجارها، آن‌گونه درونی شده باشند که جزو ذات فرد قرار گرفته و با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، پویا و در حال رشد باشند. آن‌گونه که در بخش قبل اشاره شد، انتظار فرج باعث می‌شود شخصیت افراد به گونه‌ای شکل گیرد که استحکام، پایداری و پیشرفته بودن از ویژگی‌های اولیه آن باشد. به دلیل ویژگی خاص انتظار که همراه با استقامت، صبر و مراقبت همیشگی است، پویایی و تحرک در شخصیت به گونه‌ای به وجود می‌آید که هیچ‌گاه همراه با تحجر و واپس‌گرایی نخواهد بود. در چنین افرادی با این شخصیت، کنترل‌های درونی به نحو اکمل و اتم آن شکل گرفته و مراقبت از خویش در تمام جهات از ویژگی‌های آنهاست.

کنترل‌های بیرونی، از طریق جامعه و مراکز رسمی تحقق می‌یابد. اگر افراد جامعه نسبت به هم‌دیگر حساس باشند و احساس مسئولیت در آنها قوی باشد و برای سرنوشت جامعه و گروه خویش اهمیت قائل شوند، نظارت و کنترل بیرونی در آن جامعه تقویت خواهد شد؛ چراکه آنها مدام، هر گونه انحراف و کج‌روی را در نظر قرار داده، با آن برخورد منطقی و شایسته می‌کنند. آنها

شاید بتوان امید به آینده را از مهم‌ترین عوامل تحرک، پویایی و رشد جامعه، فرهنگ، شخصیت و حتی اقتصاد و سیاست دانست. امید به آینده، راه را بر بسیاری از انحرافات و کج‌روی‌ها می‌بندد و در جنبه‌های مختلف زندگی، شخص را به تحرک و تلاشی مضاعف وادار می‌نماید.

هیچ‌گاه منتظر کنترل رسمی و اقدام دستگاه‌های مسئول نمی‌شوند؛ گرچه کنترل بیرونی، نظارت و کنترل رسمی را نیز شامل می‌شود. افراد در جامعه‌ای که «انتظار» راه‌برد اصلی آن به شمار می‌رود، شخصیت ساخته‌شده و مستحکمی پیدا می‌کنند و دارای احساس مسئولیت‌های اجتماعی تقویت شده و روابط عاطفی و عام‌گرایانه هستند که اساس نظام اجتماعی را شکل می‌دهد. افراد در چنین جامعه‌ای به دلیل این که منتظر تحقق جامعه مهدوی هستند، دارای احساس مسئولیت‌های اجتماعی قوی بوده، خطاها و انحرافات دیگران را از چشم دور نمی‌دارند و به دلیل اهمیتی که برای سرنوشت جامعه خویش قائلند، مانع و سدّ راه منحرفان و کج‌روان اجتماعی‌اند.

از آثار انتظار آن است که انسان را به حرکت‌ها و فرآیندهای هم‌جهت با خود برمی‌انگیزد و از حرکت‌ها و گرایش‌های متضاد با آن و یا هم‌جهت با آن جلوگیری می‌کند.^{۷۳} از سوی دیگر تحقق انتظار در حقیقت با انتظار لحظه به لحظه ممکن است؛ چراکه برای ظهور وقت تعیین نشده و تحقق آن امری ناگهانی است.^{۷۴} هم‌چنین امام و رهبر منتظران، زنده و همواره شاهد اعمال و رفتار پیروان خویش است. این اعتقاد نیز باعث می‌شود پیروان وی خود را همواره در منظر او بدانند و کاری نکنند که خلاف جهت و اهداف او باشد. چنین ساختاری باعث افزایش حساسیت‌ها و احساس مسئولیت‌ها شده، خطر انحراف و کج‌روی را به صفر می‌رساند. گذشته از این، اگر هم کسانی اعتقاد به این شرایط و این ویژگی‌ها نداشته باشند، اصولاً به دلیل فشار هنجاری رو به تزایدی که در این ساختار اجتماعی ایجاد می‌شود، جرئت حرکت خلاف جهت انتظار را به خود نمی‌دهند. به عبارت روشن‌تر چنان‌چه شخصیت افراد بر اساس راه‌برد انتظار به خوبی شکل گرفته و از استحکام و پایداری همراه با پویایی برخوردار باشد، ساختارهای اجتماعی نیز به گونه‌ای شکل می‌گیرند که جهت‌گیری آنها در تضاد با انحراف و کج‌روی است. چنین هم‌آهنگی اگر بین نظام شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگ به وجود آید، تعادل، رشد و پویایی فرهنگی و اجتماعی را در پی خواهد داشت.

انتظار فرج؛ راه‌برد افزایش سرمایه اجتماعی

بر اساس مطالب پیش گفته، انتظار فرج باعث افزایش پایبندی به تعهدات اجتماعی، ارزشی و... می‌شود. از سوی دیگر، افراد به ارزش‌ها، هنجارها و باورها به شدت پایبند می‌گردند و از آنها مراقبت می‌کنند. آنها منتظر شکل‌گیری جامعه جهانی مهدوی هستند که دین، اساس و پایه آن خواهد بود. به طور طبیعی، این احساس مسئولیت و اعتقاد، آنها را بر آن می‌دارد که همه جهان را میهن خویش دانسته، از انحراف آن جلوگیری و در آبادانی آن کوشش کنند. هنگامی که گرایش‌های قوم‌مدارانه افراد به کم‌ترین اندازه رسد، گرایش‌های عام‌گرایانه به بیش‌ترین خواهد رسید و همه با هم روابط دوستانه و عام‌گرایانه برقرار خواهند کرد؛ چراکه از عناصر اصلی نظام مهدوی این است که حضرت

حجة بن الحسن العسكري علیه السلام در آخرالزمان همه جهان را زیر یک پرچم متحد می‌کند و نژاد و قومیت در این نظام سیاسی رنگ خواهد باخت. در این جامعه همه افراد برابرند و به آنها با یک چشم نگاه می‌شود. اگر چنین است، منتظران این نظام سیاسی نیز باید چنین باشند و رنج دیگران را رنج خود و نیکی و شادی آنها را نیز از خود بدانند. آنها با روابط عاطفی و دوستانه‌ای که با همه برقرار می‌کنند، به یاری آنها می‌شتابند و «دل آزرندگان را مرهم می‌نهند و دشواری‌ها و مشکلات مشکل‌داران را تا حد توان بر طبق خواست و رضای امامشان برطرف می‌کنند. اگر چنین شد، در قلمرو جامعه منتظر، محروم، تهی‌دست، بیمار بی‌درمان، دل‌تنگ، افسرده، اندوهگین و گرفتار باقی نمی‌ماند... شاید یکی از معانی برخی از احادیث که گفته‌اند: "انتظار فرج خود فرج است." همین معنا باشد که جامعه منتظر اگر انتظاری راستین و صادقانه داشته باشد، حداقل در حوزه خود [جامعه] مشکلات و نابسامانی‌های مردمی را برطرف می‌کند و خواسته‌ها و آرمان‌های امام موعود را در محیط خویش تحقق می‌بخشد. از این‌رو، سوره عصر نیز به عصر غیبت تفسیر شده است».^{۷۴}

گسترش روابط تعاونی و حمایتی اجتماعی در جامعه، باعث کاهش نابرابری‌های اجتماعی و کاهش تضادهای ارزشی و هنجاری و افزایش وفاق ارزشی می‌شود و تعهدات اجتماعی افراد جامعه افزایش و روابط عاطفی و دوستانه گسترش می‌یابد. از سوی دیگر، با گسترش روابط حمایتی اجتماعی در جامعه، محرومیت، خودکشی، یأس، استعمار و انفعال اجتماعی کاهش می‌یابد.^{۷۵} این شرایط باعث افزایش اعتماد اجتماعی و گسترش روابط اجتماعی می‌شود و افراد در فعالیت‌های اجتماعی که عمدتاً رنگ و بوی دین دارد، مشارکت گسترده خواهند داشت. به دلیل تعهد، پایبندی و صداقت منتظران در دوره انتظار، میزان اعتماد بسیار بالا می‌رود و روابط اجتماعی گسترش می‌یابد. به همین دلیل، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و از همین جهت زمینه انحراف و کج‌روی در جامعه به شدت کاهش می‌یابد.

انتظار فرج؛ راه‌برد افزایش وابستگی به جامعه و توافق

ارزشی

از آن‌چه گذشت، به خوبی استفاده می‌شود در دوره انتظار با ساختارهای اجتماعی‌ای که شکل می‌گیرد و نظام شخصیتی‌ای که ایجاد می‌شود، تضاد ارزشی و هنجاری به شدت کاهش و توافق ارزشی افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی وابستگی‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. البته روشن است که مکانیسم این کاهش و افزایش‌ها باید تحقیق و مشخص گردد و خود محتاج بحثی مفصل است. برای نتیجه‌گیری می‌توان بر موارد زیر تأکید کرد:

۱. انتظار فرج، زمینه شکل‌گیری شخصیت پیشرفته و پویا را در جامعه فراهم می‌کند؛

۲. انتظار فرج، یأس و ناامیدی را در جامعه از میان می‌برد و امیدواری را در اوج نگه می‌دارد؛
۳. انتظار فرج، باعث افزایش نظارت و کنترل درونی و بیرونی در جامعه شده، هزینه‌های اجتماعی و سیاسی کنترل رسمی را کاهش می‌دهد؛
۴. انتظار فرج، باعث افزایش اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت و تعهد اجتماعی می‌شود و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد؛
۵. انتظار فرج، وابستگی‌های عاطفی و اجتماعی را افزایش می‌دهد و احساس مسئولیت را در افراد تقویت می‌کند؛
۶. انتظار فرج، باعث کاهش شدید تضادهای اجتماعی، هنجاری و ارزشی و به نحو شایسته‌ای سبب پر شدن شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود؛
۷. انتظار فرج، باعث می‌شود همه افراد اهداف واحد و یک‌پارچه‌ای را پی‌گیری کنند و وفاق ارزشی و هنجاری افزایش یابد؛
۸. همه این شرایط باعث می‌شود ساختارهای اجتماعی و شخصیتی، به گونه‌ای شکل گیرند که انحراف و کج‌روی کاهش یافته، خاص محافل خصوصی و شخصی گردد؛
۹. در دوره انتظار، احساس امنیت و آرامش خاطر افزایش و دغدغه‌های شخصی کاهش می‌یابد؛
۱۰. در دوره انتظار، عدالت و برابری محور ساختارهای اجتماعی قرار گرفته، احساس محرومیت نسبی کاهش می‌یابد؛
۱۱. در دوره انتظار، احساس مسئولیت و احساس دین به دیگران افزایش یافته، قوم‌گرایی، خودمحوری، غرور و خودبزرگ‌بینی کاهش می‌یابد؛
۱۲. در دوره انتظار، احساس تعلق خاطر به جامعه و گروه افزایش می‌یابد و وابستگی‌های عاطفی و تعمیم‌یافته گسترش می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها:

- * پژوهش‌گر دفتر تبلیغات اسلامی خراسان.
۱. برای عینی‌تر شدن مسئله تصور کنید که به مقتضای شغل به هر دلیل دیگری از شهر و دیار کوچک خویش مهاجرت کرده‌اید و در یکی از شهرهای بزرگ ایران سکونت گزیده‌اید. احتمالاً آن‌چه اکنون متذکر خواهیم شد برای شما عینی و ملموس خواهد بود و هرچه سابقه مهاجرتان کمتر و از نقطه‌ای کوچک‌تر و محدودتر به شهری بزرگ‌تر و صنعتی‌تر آمده باشید، این نکته را بهتر درک خواهید کرد. شرایط در شهرهای بزرگ به گونه‌ای است که هر تازه وارد از شهرهای کوچک (به ویژه روستاها) با وضعیتی غیرمنتظره و گاه عجیب مواجه می‌گردد. بعضی در مواجهه با شرایط جدید، به سرعت دل‌زده می‌شوند و قصد بازگشتن به شهر و دیار خویش می‌کنند و برخی با اندکی صبر و تحمل، به تدریج با شرایط جدید همانندسازی کرده، وضعیت تحمل‌ناپذیر را برای خویش توجیه و تحمل می‌کنند. آن‌چه برای تازه واردان به شهرهای بزرگ و پرجمعیت، غیرمنتظره و گاه عجیب می‌نماید آن است که آنها از محیطی عاطفی، دوستانه و گرم وارد محیطی گردیده‌اند که در آن، روابط تعریف شده و مبتنی بر اغراض و اهداف عقل‌گرایانه است. فرد تازه‌وارد، با فرض این‌که بتواند با زحمت بسیار، منزلی اجاره یا خریداری کند، مشاهده خواهد کرد هم‌سایه‌های محل سکونتش به‌ندرت با هم‌دیگر روابطی عاطفی و دوستانه دارند و چنان‌چه به آنها سلامی هدیه کند با «علیک» ی سرد و بی‌روح مواجه خواهد شد و او با تمام دغدغه‌ها و مشغولیت‌های ذهنی‌اش تنها و تنها خواهد ماند. این فرد تازه‌وارد در ادامه و به تدریج درمی‌یابد اگر مشکلی (چه ریز و چه درشت) در زندگی‌اش بروز کند، خود باید یک‌تنه، همه بار آن را به دوش کشد و ظاهراً نمی‌تواند روی کمک هیچ‌کدام از همسایه‌ها و حتی هم‌وطنان خویش که قبل از او در آن جا ساکن شده‌اند، حساسی بگشاید و اگر چنین امکانی هم فراهم شود، اولین درخواست‌ها، پرداخت ما به ازای عینی برای اقدام و عمل خویش است. اگر در دیار خویش دید و بازدید از خویشان، دوستان و حتی همسایگان مهم‌ترین مسئله زمان فراغت وی بود، اکنون برای پرکردن زمان فراغت چاره‌ای جز دیدن فیلم‌های رنگارنگ در کانال‌های مختلف نمی‌یابد.

- اگر کمی دستش بازتر باشد، اینترنت مونس و همدم او خواهد بود و به هیچ وجه نخواهد توانست در میان فیلم‌های جورواجور تلویزیون و ماهواره و لابه‌لای سایت‌های مختلف، نشانی از صفا و صمیمیت گذشته خویش بیابد. چنانچه اهل روزنامه خواندن هم باشد، با مرور صفحه حوادث مطبوعات با ناهنجاری‌ها و انحرافات مواجه می‌شود که قبلاً تصور می‌کرد فقط از «شیطان» ساخته است و هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد یک انسان و آن هم مسلمان، چنین رذالت‌هایی را داشته باشد. اگر این فرد ساکن مناطق حاشیه‌ای و آلوده شهر هم باشد، احتیاجی به پی‌گیری این رذایل در مطبوعات ندارد و می‌تواند هر لحظه با چشم خویش همه چیز را در محیط اطراف خود مشاهده کند. بدیهی است طبیعی‌ترین اقدام این تازه‌وارد - اگر خود جذب در گروه‌های جرم و جنایت نشود - این است که به همه چیز به دیده تردید بنگرد و حتی در ضروری‌ترین شرایط، نه دیگران را طرف مشورت خویش قرار دهد و نه به آنها اعتماد کند. به نظر می‌رسد بازتاب این وضعیت آن باشد که فرد مورد نظر در شهری بزرگ و پرجمعیت، خویش را تنهایی بر دوش نکشد. البته گاه بالاچار همه مشکلات و گرفتاری‌های خود را به تنهایی بر دوش نکشد. البته گاه شک و تردید در حدی گسترش می‌یابد که فرد حتی به اطرافیان خویش هم با دیده تردید می‌نگرد. در صورت تداوم این وضعیت، هر تلاش وی برای برون‌رفت از آن، به پیچیده‌تر شدن موضوع خواهد انجامید؛ چراکه دیگران نیز متقابلاً همین نگاه را به او خواهند داشت. اگر نابسامانی ذهنی و عینی‌ای را که در این جهت بروز کرده ادامه دهیم، نگارش آن «مثنوی هفتاد من کاغذ» خواهد شد. در هر صورت به نظر می‌رسد آن‌چه انکارشدنی نیست، آن است که ذهن همه مردم، به نوعی درگیر این موضوع گردیده و دغدغه‌های متعددی از این طریق برای آنها به وجود آمده است. مهم این است که تصور عمومی بر این قرار گرفته که چنین شرایطی در حال ظهور و گسترش است؛ هرچند که تماماً در خارج یافت نگردد.
۲. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، همه ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی افزایش یافته، ولی به دلیل این‌که اعتیاد، بسیاری از ناهنجاری‌ها را با خود به همراه دارد و امروز مشکل جدی کشور ماست، توضیح بیشتری درباره آن ارائه می‌گردد.
3. <http://rferi.org/reports/afghan-report/default.asp>.
 4. <http://www.thepeninsulaqatar.com/commentary/commentary/ther.asp>.
 5. <http://www.unodc.org/unode/en/word-drag-report.htm>.
۶. همان.
 ۷. روزنامه خراسان ۸۵/۴/۲۵.
 ۸. همان، ۸۵/۵/۴.
 ۹. آسیب‌های اجتماعی ایران، به کوشش انجمن جامعه‌شناسی ایران، ص ۱۳، نشر آگه، ۱۳۸۳ شمسی.
 ۱۰. بررسی وضعیت اجتماعی خراسان، ص ۵۸، انتشارات مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر، خراسان ۱۳۸۲ (تحقیق منتشر نشده)؛ غلام عباسی توسلی، مشکلات اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک ...، ص ۱۶۲، ۱۷۴ و ۱۷۵، ۱۳۸۲ شمسی.
 11. <http://rferi.org/reports/afghan-report/default.asp>.
 12. <http://www.fas.org/sgp/crs/row/RL32686.pde>.
۱۳. همان.
 ۱۴. روزنامه خراسان، ۸۵/۵/۹.
 ۱۵. همان، ۸۵/۴/۲۵.
 ۱۶. همان.
 ۱۷. محمدباقر آخوندی، عوامل امید آفرین در جامعه و بررسی میزان امید به آینده، ص ۲۸-۳۰، شمسی، (تحقیق منتشر نشده)
 ۱۸. پیمایش ملی ارزش‌های جوانان (۱۵ تا ۲۹ سال) کشور، ص ۱۸ و ۲۶، انتشارات پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، پاییز ۱۳۸۳.
 ۱۹. گروهی که در فرهنگ کلی جامعه سهیمند و در عین حال دارای ارزش‌های

- مشخص، هنجار و شیوه‌های زندگی خاص نیز هستند؛ مثل خرده‌فرهنگ‌های جوانان، گروه‌های قومی و نژادی، زندانیان، ارتشیان و... (یان رابرتسون، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، ص ۷۹، نشر مشهد، ۱۳۷۴ شمسی)
۲۰. محمدباقر آخوندی، حاشیه‌نشینی در شهر مشهد و چشم‌انداز آینده، انتشارات مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲ شمسی.
 ۲۱. آسیب‌های اجتماعی در ایران، ص ۱۶.
 ۲۲. علی‌رضا محسنی تیریزی، وندالیسم اجتماعی، ص ۱۴۵، انتشارات آن، ۱۳۸۳ شمسی.
 ۲۳. محمدجواد خراسانی، مهدی منتظر علیه السلام، قم، بی‌تا.
 ۲۴. لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۳۵، چاپ دوم: مرکز نشر الکتاب، قم، بی‌تا.
 ۲۵. همان، ص ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۳۲.
 ۲۶. وندالیسم اجتماعی، ص ۳۰.
 ۲۷. برای آگاهی بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:
- الف. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۲ انتشارات جامعه مدرسین، قم؛
 - ب. <http://www.hawzah.net/per/magazine/en/index.htm>؛
 - ج. تفسیر گونه، جلد ۷، ص ۳۸۱ و ۳۸۲؛
 - د. مجید حیدری نیک، «نگاهی دوباره به انتظار»، فصل‌نامه تخصصی انتظار.
۲۸. نک: محمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲۳۲، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ شمسی.
- هم‌چنین نک: محمدباقر صدر، گفت‌وگو درباره امام مهدی علیه السلام، ترجمه مصطفی شفیعی. (به نقل از: نشریه تخصصی انتظار، شماره اول)
۲۹. برای آگاهی بیشتر به منابع زیر رجوع کنید:
- الف) علی شریعتی، انتظار مذهب اعتراض، ص ۶-۷ و ۹-۱۱؛
 - ب) قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۶۲؛
 - ج) محمدجواد مغنیه، زمام‌دار آینده، ترجمه ابراهیم دامکافی و دیگران، ص ۵، ۱۳۴۴ شمسی؛
 - د) <http://www.hawzah.net/per/magazine/en/index.htm>؛
- ه) روزنامه قدس، ۸۵/۴/۱۵.
 - و) تفسیر گونه، ج ۷، ص ۳۸۱ و ۳۸۲.
۳۰. باید توجه داشت علیت در علوم رفتاری، با علیت در علوم تجربی تفاوت بنیادین دارد؛ علیت در علوم رفتاری، هیچ‌گاه با قطعیت همراه نیست و تنها وجود تقارن هم‌زمان، مستمر، منظم و اطمینان‌آور این دو پدیده (که از آن به وجود هم‌بستگی یاد می‌شود) مورد نظر است. به طور کلی می‌توان ویژگی‌های زیر را برای علیت در علوم رفتاری قائل شد:
- هر پدیده، علت یا مجموعه‌ای از علل ویژه خود را داراست، گرچه احتمالاً علل مشترکی نیز وجود داشته باشد؛
 - علل زمینه‌ساز در طول زمان و برحسب دگرگونی‌ها و تحولات اجتماعی تفاوت‌هایی گاه کلی می‌یابند؛
 - شرایط و اوضاع و احوال زمینه‌ساز، برحسب بافت فرهنگی جوامع مختلف نیز تفاوت می‌کند؛
 - ماهیت و محتوای پدیده‌های اجتماعی در طول زمان و در گذار از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کنند؛
 - پدیده‌های اجتماعی، در آن واحد از چندین علت متفاوت تأثیراتی در خور توجه می‌پذیرند؛
 - تشخیصی تقدم و تأخر علل و تشخیص این‌که کدام یک نقش تعیین‌کننده‌تری دارد، معمولاً دشوار است؛
 - روابط علی بین پدیده‌های اجتماعی، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرند؛
 - در بسیاری از روابط علی پدیده‌های اجتماعی، روابط و تأثیر و تأثر به صورت متقابل و دو سویه است.

(در این باره نک: دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سرروش، ص ۵۰، انتشارات صراط؛ سلیمی و داوری، جامعه‌شناسی کجروی، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ شمسی)

۳۱. آسیب‌های اجتماعی در ایران، ص ۱۷.

۳۲. وندالیسم، ص ۶۸ و ۶۹.

۳۳. حاشیه‌نشینی در شهر مشهد و چشم‌انداز آینده.

۳۴. آسیب‌های اجتماعی در ایران، ص ۲۰.

۳۵. وندالیسم اجتماعی، ص ۹۳.

۳۶. ریمون بون، کنترل اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع مادی و نمادین می‌داند که جامعه برای تضمین هم‌نویی رفتارهای اعضای خویش در برابر کجروی، با مجموعه‌ای از قواعد و اصول معین و دارای ضمانت اجرا در اختیار دارد. (نک: جامعه‌شناسی کجروی، ص ۵۸۵)

۳۷. درآمدی بر جامعه، ص ۱۷۶، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ شمسی.

۳۸. مسعود چلبی، جامعه‌شناسی نظم، ص ۷۱، نشر نی، ۱۳۷۵ شمسی.

39. Social Capital.

40. <http://www.imf.org/external/pubs/ft/seminar/1999/reforms/fukuyama.html>.

41. <http://www.sse.rue.dk/institutional/research-paper-03.pdf>.

۴۲. وندالیسم اجتماعی، ص ۵۵.

۴۳. همان، ص ۶۱.

۴۴. همان، ص ۶۳.

۴۵. جامعه‌شناسی نظم، ص ۱۱۷.

۴۶. «و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم.» (سوره احزاب، آیه ۷)

۴۷. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۳۵ - ۳۹.

۴۸. همان، ص ۴۰.

۴۹. برای آگاهی از این که از زمان حضرت آدم تا زمان حضرت نوح علیه السلام شریعت چه بوده و مردم آن زمان چگونه عمل می‌کرده‌اند، باید به متن تفسیر المیزان مراجعه شود.

۵۰. سوره آل عمران، آیه ۳.

۵۱. سوره صف، آیه ۶.

۵۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۵۱۲.

۵۳. همان، ص ۱۹۰.

۵۴. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۷۷.

۵۵. همان، ج ۱، ص ۳۴۵.

۵۶. همان.

۵۷. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۲۶۸.

۵۸. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۴۴.

۵۹. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵۰.

۶۰. محمدباقر آخوندی، از افسانه یهودستیزی تا واقعیت اسلام‌ستیزی در دنیا، انتشارات مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴ شمسی. (تحقیق منتشر نشده)

۶۱. همان، ص ۸.

۶۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: یهود در کتاب‌های خود یافته بودند که مکان هجرت پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله مابین [دو کوه] «عیر» و «أحد» خواهد بود و تصور می‌کردند او باید از میان قوم آنها انتخاب شود. به همین دلیل به امید یافتن آن محل، مهاجرت کردند. در مسیر خود به کوهی رسیدند که به آن «حداد» گفته می‌شد و گمان کردند «حداد» همان «أحد» است. به همین سبب در اطراف آن کوه ساکن شدند. بعضی از آنها در جایی به نام «یتما» و برخی در مکانی به نام «فدک» و عده‌ای نیز «خیبر» را برای سکونت خود برگزیدند. کسانی که در «یتما» ساکن شده بودند، پس از مدتی دل تنگ خویشان خود شدند که در «فدک» و «خیبر» ساکن گزیده بودند و قصد دیدار آنها را نمودند. بنابراین، شترهای عربی از قبیله «قیس» را که از محل آنها عبور می‌کرد، کرایه کردند و از او خواستند راهنمایان باشند و آنها را نزد خویشانان ببرد.

عرب گفت من شما را از بین دو کوه «عیر» و «أحد» عبور می‌دهم. [این سخن چیزی بود که آنها مدت‌ها در پی آن بودند و برای یافتن آن هجرت کرده بودند که اشتباها «حداد» را به جای «أحد» گرفتند.] بنابراین، گفتند هر وقت به آن‌جا رسیدی، ما را مطلع کن. هنگامی که به محل مورد نظر رسیدند، عرب راهنما گفت هم‌اکنون به آن محل رسیدیم. آن کوه «عیر» و آن یکی «أحد» است. یهودیان بسیار خوش حال شدند و از شترها پایین آمده، گفتند ما به منظور خود رسیدیم و دیگر به تو احتیاجی نداریم. در این هنگام نام‌های نیز به خویشان خود

در «فدک» و «خیبر» نوشتند مبنی بر این که ما مکان مورد نظر را پیدا کرده‌ایم، شما نیز به ما ملحق شوید. یهودیانی که در «فدک» و «خیبر» بودند، در پاسخ آنها نوشتند ما در این جا ساکن شده‌ایم و اموالی برای خود به دست آورده‌ایم. ما به شما بسیار نزدیک هستیم، هرگاه پیامبر آخرالزمان ظهور کرد، ما سریعاً به سوی شما خواهیم آمد.

یهودیانی که بین دو کوه «عیر» و «احد» در محل مدینه فعلی ساکن شده بودند، کم‌کم دارای ثروت و اموالی شدند که خبر این ثروت، تبع را به جنگ با آنها واداشت، اما پس از متحصن شدن ایشان، تبع آنها را پس از محاصره امان داد. تبع گفت: شهرهای شما را جای خوبی یافته‌ام و میل دارم در این جا اقامت نمایم. یهودیان به وی گفتند: تو چنین حقی نداری؛ زیرا این جا مکان هجرت پیامبر آخرالزمان است و هیچ‌کس را نشاید که این جا باشد. پس تبع گفت: من از سربازان خویش، گروهی را در این جا جانشینان خود می‌گذارم که هرگاه پیامبر آخرالزمان ظهور کند، او را کمک و یاری نمایند. بنابراین، او «اوس» و «خزرج» دو گروه از هم‌راهیان خود را در آن جا گذاشت و رفت. به تدریج که تعداد افراد «اوس» و «خزرج» فزونی یافت، به اموال یهودیان تعرض کردند و از آنها استفاده نمودند. یهودیان نیز انتظار آمدن پیامبر آخرالزمان را می‌کشیدند و او را مایه فتح و پیروزی خود می‌دانستند. به همین دلیل، «اوس» و «خزرج» را تهدید می‌کردند و می‌گفتند هرگاه پیامبر آخرالزمان ظهور کند، شما را از شهرهایمان بیرون می‌کنیم. (نک: ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۲۵۵ و ۲۵۶) یهودیان که از قبایل بنی‌قریظه و بنی‌نضیر بودند، همواره در مواجهه با این افراد چنین دعا می‌کردند: پروردگارا به حق پیامبر امی، ما را بر این کفار نصرت ده! (نک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۳۶) بنابراین، یهودیان بر اساس این آیه شریفه، می‌دانستند که پیامبر آخرالزمان ﷺ در سرزمین عربستان ظهور خواهد کرد و به محلی بین دو کوه «عیر» و «احد» مهاجرت می‌کند. به همین سبب نیز برای درک او به آن جا مهاجرت نمودند.

اسم و مشخصات دقیق این پیامبر را می‌دانستند و او را بار و یاور خود می‌پنداشتند. تصور می‌کردند این پیامبر باید از میان یهودیان و به اصطلاح خودشان از «قوم برگزیده» انتخاب شود. به همین سبب به کفار و مشرکان بسیار فخر می‌فروختند و به آنها نسبت به انتقام‌گیری پس از ظهور هشدار می‌دادند. پس از این که پیامبر اسلام ﷺ ظهور کرد و به مدینه مهاجرت نمود، یهودیان تمام علایمی را که در تورات خوانده بودند، بررسی کردند و کاملاً مطمئن شدند که این پیامبر همان است که تورات ظهور او را بشارت داده است. کفار و مشرکان و به‌ویژه قبایل اوس و خزرج به دلیل همان نشانه‌هایی که قبلاً از یهود شنیده بودند، پیامبر را تصدیق کردند و به او ایمان آوردند، اما یهودیان نه تنها هیچ‌گاه ایمان نیاوردند و او را تصدیق نکردند، بلکه به صورت جدی با وی وارد مبارزه شدند.

۶۳ عن ابی عبدالله الحسین بن علی علیه السلام: اِنَّهُ سَلَّ هَلْ وَ لَدِ الْمَهْدِيِّ قَالَ: لَا لَوْ اَدْرَكْتَهُ لَخِدْمْتَهُ اَيَّامَ حَيَاتِي: هنگامی که از امام حسین بن علی علیه السلام سؤال شد آیا مهدی به دنیا آمده است، فرمود: نه، ولی اگر او را درک کنم، تمام روزگار زندگی‌ام را به خدمت‌گزاری‌اش خواهم گذرانم. (موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۶۶۰)

۶۴ محمدباقر آخوندی، تحولات مذهبی مسیحیت و یهودیت و احتمال جانش با اسلام، ج سوم، انتشارات مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳ شمسی. (تحقیق منتشر نشده)

۶۵ بعضی از اطلاعات مربوط به این موضوع با استفاده از مقاله دونالد واگنر، نویسنده آمریکایی چنین است. دکتر برگ، اعتقادات بنیادین صهیونیست‌های مسیحی را به شرح زیر خلاصه می‌کند:

(الف) پیمان خداوند با بشر (در انجیل): پیمان خداوند با اسرائیل، ابدی و غیرمشروط است. بنابراین، وعده‌های سرزمین اعطا شده به حضرت ابراهیم علیه السلام هرگز باطل نخواهند شد. به عبارت دیگر، کلیسا جای‌گزین اسرائیل نگردیده و با وجود پیمان شکنی، امتیازات اسرائیل هرگز لغو نشده است.

(ب) کلیسا: هدف خداوند از ابتدا رستگاری ابدی اسرائیل بوده است. با وجود این، چون اسرائیل نتوانست از عیسی مسیح علیه السلام پیروی کند، کلیسا مطرح گردید، اما در دومین ظهور عیسی مسیح علیه السلام، کلیسا حذف می‌شود و اسرائیل بار دیگر به عامل اصلی اجرای اهداف خداوند در جهان تبدیل خواهد شد. به عبارت دیگر هم‌اکنون دو عهدنامه معتبر در جهان وجود دارد: یکی پیمان خداوند با حضرت موسی علیه السلام و دیگری عهد خدا با عیسی مسیح علیه السلام. با این حال، عهدنامه جدید به هیچ وجه عهدنامه قدیمی را منسوخ نمی‌کند.

(ج) حمایت از اسرائیل نو: صهیونیست‌های مسیحی باید آن‌چه را در کتاب پیدایش (Genesis) (۱۲:۱۳) آمده است، به معنای واقعی بپذیرند و برای کشور نو اسرائیل به کار برند. «من کسانی را که از شما حمایت کنند مورد رحمت قرار می‌دهم و آنهایی که شما را لعن کنند، نفرین خواهم کرد.» عدم حمایت از اسرائیل به معنای ناتوانی در حمایت از بقای سیاسی اسرائیل در شرایط کنونی است و این امر، مجازات الهی را موجب می‌شود.

(د) پیش‌گویی: پیش‌گویی‌های مندرج در انجیل، صرفاً به حوادث رخ داده در دوران انجیل اشاره نمی‌کنند، بلکه وقایع کنونی را نیز توضیح می‌دهند. بنابراین، زمانی که برای مثال به «کتاب دانیال ۷» (Daniel 7) نگاه می‌کنیم، چنان‌چه از مهارت مناسبی در تفسیر برخوردار باشیم، می‌توانیم چگونگی تحول تاریخ معاصر را درک نماییم.

(ه) تشکیل اسرائیل: مرحله‌ای است که باعث تسریع تحقق وعده‌های انجیل می‌شود. بنابراین، اگر ایام آخرالزمان فرارسیده است، صهیونیسم مسیحی باید در انتظار فروپاشی تمدن‌ها، افزایش شرارت، از بین رفتن صلح و تعادل

بین‌المللی، ظهور مسیح‌ستیزی و آزمون‌های وفاداری به اسرائیل باشد و از همه مهم‌تر این‌که ائتلاف‌های سیاسی، موقعیت این گروه را در روز سرنوشت‌ساز آرمادگدون (Armageddon) تعیین خواهد کرد. آرمادگدون، به روایت انجیل، محل روی‌دادن واپسین نبرد نیکی و بدی پیش از روز محشر است.
(در این باره نک: آینده از نگاه صهیونیسم مسیحی.)

http://www.icej.org/about/about_doctrines.html

به هر حال، به اعتقاد صهیونیسم در «آخرین روزها»، همان‌گونه که «پطرس مقدس» دو هزار سال قبل آن را این‌گونه نامید، نبرد بین نور و ظلمت تشدید خواهد شد و اسرائیل در مرکز این نبرد خواهد بود؛ زیرا خداوند از طریق اسرائیل، حاکمیت عدالت خود بر جهان را محقق خواهد ساخت. (زکریا، ۹: ۱۴) نیروهای ظلمت همیشه با چنین حاکمیتی مخالفت خواهند کرد و در نتیجه تلاش می‌کنند اسرائیل را از بین ببرند، اما تحقق وعده‌های خدا که یکی تشکیل اسرائیل و دیگری پیروزی آن بود، اتمام حجت برای جهانیان و همه مخالفان اسرائیل است و حقیقت کلام خداوند را آشکار خواهد کرد. بنابراین، صهیونیست‌های مسیحی باید در پیشاپیش این نبرد باشند؛ زیرا این حقیقت که در سال‌های اخیر افراد بی‌شماری به این جنبش افزوده شده و می‌شوند، شاهدهی است بر این‌که خداوند در تدارک ارتشی معنوی برای این «رویارویی نهایی» (Showdown) قریب‌الوقوع است.

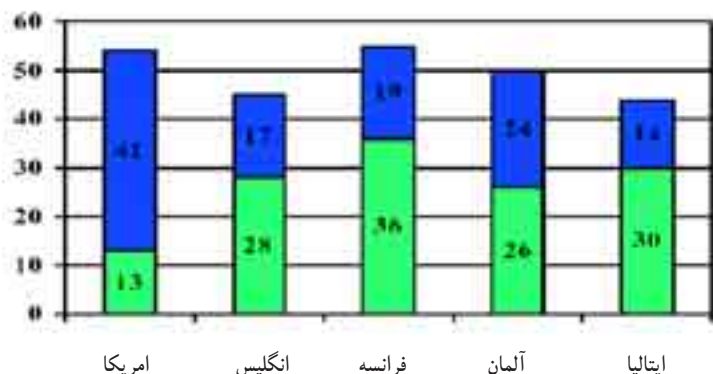
<http://www.rca.org/images/mission/mideast/christianzionism.pdf>

جدول (۱) صهیونیست‌های آمریکایی چه کسانی هستند؟

در خصوص وضعیت خاورمیانه، آیا شما بیشتر طرفدار اسرائیل هستید یا از اعراب فلسطینی حمایت می‌کنید؟						
گروه / حزب	۲۰۰۰*		برتری اسرائیل		۲۰۰۲**	
	اسرائیل	فلسطین	اسرائیل	فلسطین	اسرائیل	فلسطین
جمهوری خواهان	۵۳٪	۹٪	۴۴+	۶۷٪	۸٪	۵۹+
دموکرات‌ها	۴۳٪	۱۱٪	۳۲+	۳۵٪	۲۱٪	۳۴+
مستقل	۳۰٪	۱۱٪	۱۹+	۳۳٪	۱۶٪	۳۷+
انتخابات سال ۲۰۰۰						
رای‌دهندگان «بوش»	۵۶٪	۹٪	۴۷+			
رای‌دهندگان «گور»	۴۳٪	۱۱٪	۳۲+			
ایدئولوژی						
محافظه‌کاران	۵۱٪	۸٪	۴۳+	۵۹٪	۱۰٪	۴۹+
میان‌روها	۴۰٪	۱۱٪	۲۹+	۳۸٪	۱۹٪	۳۹+
لیبرال‌ها	۲۹٪	۱۷٪	۱۲+	۴۱٪	۱۹٪	۲۲+
نژاد						
سفیدپوستان	---	---	---	۴۵٪	۲۱٪	۴۴+
رنگین‌پوستان	---	---	---	۸۳٪	۵۲٪	۳۱+
مذهب						
کاتولیک‌ها	---	---	---	۳۴٪	۶۱٪	۶۲+
پروتستان‌ها	---	---	---	۹۴٪	۲۱٪	۷۳+

منبع: «نظرسنجی گالوپ» (۱۹-۲۱ می ۲۰۰۳). تعداد بزرگ‌سال سراسر کشور (میزان خطا بین ۲٪ تا ۳٪- در نوسان است).
* «نظرسنجی گالوپ» (۱۳-۱۴ اکتبر ۲۰۰۰). تعداد ۸۲۱ بزرگ‌سال سراسر کشور (میزان خطا بین ۳٪ تا ۳٪- در نوسان است).
** «نظرسنجی گالوپ» (۵-۷ آوریل ۲۰۰۲). تعداد بزرگ‌سال سراسر کشور (میزان خطا بین ۳٪ تا ۳٪- در نوسان است).
«نظرسنجی گالوپ» (۲۲-۲۴ آوریل ۲۰۰۲). تعداد بزرگ‌سال سراسر کشور (میزان خطا بین ۳٪ تا ۳٪- در نوسان است)

نمودار (۱) در خصوص اختلاف میان اسرائیل و فلسطین، از کدام یک حمایت می‌کنید؟

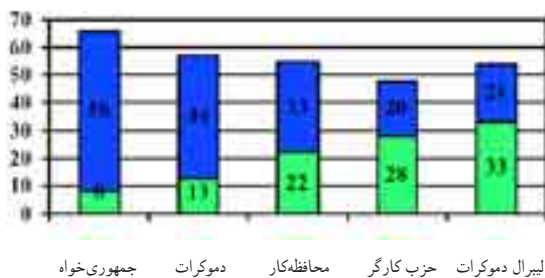


■ اسرائیل
■ فلسطین

منبع: نتایج این پژوهش از طریق مصاحبه، تحت نظر مؤسسه «شرکای تحقیقات پرینستون» و بر اساس نمونه‌های کشوری شامل ۱۰۱۲ بزرگ‌سال (هجده سال به بالا) در فرانسه، ۱۰۲۱ نفر در آلمان، ۱۰۰۰ نفر در ایتالیا، ۱۰۰۹ نفر در انگلیس و ۱۳۶۲ نفر در آمریکا اجرا شده است. این پژوهش میدانی را مؤسسه «Taylor Nelson Sofres» در فرانسه (۳-۴ آوریل ۲۰۰۲)، مؤسسه «Emnid» در آلمان (۳-۶ آوریل ۲۰۰۲)، مؤسسه «Pragma» در ایتالیا (۵-۱۰ آوریل ۲۰۰۲)، مؤسسه «NOP» در انگلیس (۲-۹ آوریل ۲۰۰۲)، و مؤسسه «منبع داده‌های پرینستون» در آمریکا (۳-۸ آوریل ۲۰۰۲) اجرا کرده‌اند. از آن‌جا که نتایج فوق بر اساس نمونه‌گیری کلی در هر یک از این کشور حاصل شده، می‌توان تقریباً با اطمینان اظهار کرد که میزان خطای نمونه‌گیری و سایر آثار تصادفی برای هر کشور اروپایی بین ۳/۵٪ تا ۳/۵+ و برای آمریکا بین ۳٪ تا ۳٪+ در نوسان است.

<http://www.informationcrearinynhouse.info/article495/htm>

نمودار ۲) در خصوص اختلاف میان اسرائیل و فلسطین، از کدام یک حمایت می‌کنید؟ (بر اساس احزاب سیاسی)



منبع: نظرسنجی گالوپ: بر اساس مصاحبه با ۱۰۰۹ بزرگ‌سال آمریکایی (هجده سال به بالا) که از ۵-۷ آوریل سال ۲۰۰۲ اجرا شد و میزان خطای بین ۳٪ تا ۳٪+ در نوسان بود. در انگلیس نیز بر اساس مصاحبه‌ای که با ۹۹۴ بزرگ‌سال انگلیسی (هجده سال به بالا) در تاریخ هفدهم آوریل تا یکم مه سال ۲۰۰۲ به عمل آمد، میزان خطای بین ۳٪ تا ۳٪+ اعلام گردید. <http://www.informationcrearinynhouse.info/article495/htm>

جدول ۲) ۲۵ دریافت‌کننده اصلی کمک‌های مالی «کمیته روابط عمومی» طرف‌دار اسرائیل در کنگره در سال ۲۰۰۲

۱. Tim Johnson-SD	دموکرات	۸۶۱۶۵	۱۴. Jay Rockefeller-WV	دموکرات	۳۳۷۵۰ دلار
۲. Carl Levin-MI	دموکرات	۸۴۵۲۹	۱۵. Tim Hutchinson-AR	جمهوری‌خواه	۳۲۲۰۰ دلار
۳. Max Baucus-MT	دموکرات	۸۴۱۰۰	۱۶. Mary Landrieu-LA	دموکرات	۳۲۰۰۰ دلار
۴. Richard Durbin-IL	دموکرات	۷۶۰۰۰	۱۷. Eric Cantor-VA	جمهوری‌خواه	۲۹۲۸۰ دلار
۵. Max Cleland-GA	دموکرات	۶۹۷۵۰	۱۸. Wayne Allard-CO	جمهوری‌خواه	۲۶۳۰۰ دلار
۶. Artur Davis-AL	دموکرات	۶۳۰۶۷	۱۹. Jack Reed-RI	دموکرات	۲۵۸۸۶ دلار
۷. Mitch McConnell	جمهوری‌خواه	۶۲۰۰۰	۲۰. Robert Torricelli-NJ	دموکرات	۲۴۴۰۰ دلار
۸. Jean Carnahan-MO	دموکرات	۴۵۵۰۰	۲۱. Jeff Sessions-AL	جمهوری‌خواه	۲۴۲۰۰ دلار
۹. Tom Harkin-IA	دموکرات	۴۳۷۵۰	۲۲. Richard Gephardt-MO	دموکرات	۲۳۴۱۵ دلار
۱۰. Robert Smith-NH	جمهوری‌خواه	۴۰۴۳۰	۲۳. Dennis Hastert-IL	جمهوری‌خواه	۲۲۰۰۰ دلار
۱۱. Gordon Smith-OR	جمهوری‌خواه	۳۹۸۳۹	۲۴. Jeanne Shaheen-NH	دموکرات	۱۹۰۰۰ دلار
۱۲. Shelley Berkley-NV	دموکرات	۳۹۳۳۵	۲۵. Ted Stevens-AK	جمهوری‌خواه	۱۸۰۰۰ دلار
۱۳. Susan Collins-ME	جمهوری‌خواه	۳۵۵۰۰			

منبع: 30-The Washington Report on Middle East Affairs (November 2002), 26 <http://www.informationcrearinynhouse.info/article495/htm>

۶۶. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۸۸.
۶۷. همان، ص ۳۸۶ و ۳۸۷.
۶۸. همان، ص ۳۸۳.
۶۹. سوره فصلت، آیه ۳۰.
۷۰. برای آگاهی بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:
 - الف. مجید حیدری نیک، «انتظار»، مجله تخصصی انتظار.
 - ب. محمد حکیمی، عصر زندگی (آینده انسان و اسلام)، ص ۳۲۸-۳۳۷، انتشارات هاتف، ۱۳۷۱ شمسی.
 - ج. محمد صدر، رسالت اسلامی در عصر غیبت، ص ۳۳-۳۴، انتشارات بدر، ۱۳۶۰ شمسی.
۷۱. برای اطلاع از روایات موجود در این زمینه به منابع زیر مراجعه شود:
 - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳ و ج ۸، ص ۲۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ و ۱۴۰؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۸ و ۳۶۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵.
۷۲. عصر زندگی (آینده انسان و اسلام)، ص ۳۰۱-۳۰۲.
۷۳. محمدتقی موسوی اصفهانی، مکالمات فی فوائد الدعاء للقائم، ص ۱۶۰، انتشارات مؤسسه الامام المهدی، ۱۳۶۳ شمسی.
۷۴. عصر زندگی (آینده انسان و اسلام)، ص ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۵.
۷۵. جامعه‌شناسی نظم، ص ۱۵۷-۱۵۹.